



۶) مورد، نمونه، مثال

-در بیشتر موارد، هیچ نیازی به اقدام اضافه تری نیست.

-اگر مثلاً به کیف پر از پول پیدا می‌کردی، چی کار می‌کردی؟

۷) زندان

-زندانی

-هنگام به خاطر مجروح کردن مردی با چاقو به زندان فرستاده شد(زندانی شد).

۸) -۱) وضع، وضعیت؛ حالت ۲- کشور ۳- ایالت ۴- بیان کردن، گفتن

-در این گزارش، حقایق به طور صریحی بیان شده‌اند.

-وقتی اون خونه رو خریدیم، تو وضعیت خیلی بدی بود.

۹) رهبر، رئیس

-بعضی از افراد به طور ذاتی رهبر هستند و بعضی از افراد دنباله‌رو.

۱۰) تپه

-این خونه در کنار تپه‌ای ساخته شده که رو به رودخانه‌اس.

۱) قصد داشتن (که)، تصمیم داشتن (که)

-قصد، نیت

-قصد نداشتم که مری نقاشی رو قبل از کامل شدنش ببینه.

۲) ۱- (نیروی جاذبه ۲- اهمیت، شدت، وخامت

-قانون جاذبه‌ی نیوتون

۳) ۱- لازم، ضروری ۲- مبنا، اساس، بنیاد

-حتی در شرکت‌های کوچک [هم]، کامپیوتر یک وسیله‌ی ضروری‌ست.

۴) توصیف، وصف، شرح

-اون توصیف بسیار دقیقی از دزد رو به پلیس ارائه کرده.

۵) کشف، اکتشاف

-پژوهشگران این حوزه، چند کشف مهم جدید داشته‌اند.

۱۷) ۱- خدمت کردن، کار کردن ۲- [غذا سرو کردن، کشیدن

-اون تو ۱۵ سال اخیر توی این کمیسیون کار می‌کنه.

۱۸) الزام، ضرورت

-اینکه به چیزی ارزونه الزاماً به معنی کیفیت پایین اون نیست.

۱۹) ۱- نمایشنامه ۲- نمایش، تئاتر

-«اون نمایش رو پنج شنبه دیدی؟» «ته، چهارشنبه شب رفتیم.»

۲۰) محصول، فرآورده، کالا

-جدیدترین محصول این شرکت خوب فروش می‌ره.

۲۱) تفاوت داشتن، متفاوت بودن تغییر کردن عوض شدن متنوع، گوناگون

-ارتفاع این گیاهان از ۸ سانتی متر تا ۲۰ سانتی متر تفاوت دارد.

۱۱) ادبیات - آثار ادبی

-اون خیلی از آثار مهم ادبی رو خونده.

۱۲) راضی، خشنود، خرسند

-اگر به طور کامل راضی نیستید، می‌تونید پولتون رو پس بگیرید.

۱۳) زیست‌شناسی نوع، گونه

-در این ناحیه، بیش از صد گونه حشره یافت می‌شود.

۱۴) بزرگ، عظیم

-اونها تو یه خونه‌ی بزرگ زندگی می‌کنن.

۱۵) [کشور، ملت، شخص] مستقل

-برام مهم بود که از نظر مالی از پدر و مادرم مستقل باشم.

۱۶) از نشان دادن، یادآور شدن

-او خطرات تنها رانندگی کردن رو یادآور شد.

۲۷) ۱- فکر، اندیشه ۲- نظر، عقیده

- فردا دوباره ازم سؤال کن. باید کمی در موردش فکر کنم.

۲۸) طبیعت

- تمام این مواد در طبیعت یافت می‌شوند.

۲۹) محل

- اگر فروشگاه جدید ساخته بشه، بسیاری از مغازه‌های محلی مجبور می‌شن

تعطیل کنن.

۳۰) جا، محل، موقعیت

- نقشه‌ای که موقعیت هتل رو نشون بده براتون فرستاده خواهد شد.

۳۱) شکار کردن، به شکار ... رفتن شکارچی

- این پرنده‌ها تقریباً تا حد انقراض شکارشده‌ن.

۳۲) آشکار، واضح، روشن، علنی .

می‌دونم از اون خوشش نمی‌یاد ولی سعی کن این موضوع رو این‌قد

علنی نکنی.

۲۲) نظریه، تئوری

-طبق تئوری نسبیت، هیچ چیزی نمی‌تواند از نور سریع‌تر حرکت کند

۲۳) استثناء، مورد استثناء

-بیشتر ساختمان‌های این شهر جدید هستن، ولی این کلیسا استثناء هستش

۲۴) دهه، ده سال

-در دهه‌ی ۱۸۸۰ - ۱۸۷۰ جمعیت ۳۰٪ زیاد شد.

۲۵) ۱- فرار کردن، گریختن ۲- فرار

-اون در ماه اکتبر از زندان فرار کرد. پلیس هنوز دنبال اون می‌گرده

۲۶) آزادی، استقلال

-تو دانشگاه آزادی بیشتری داری تا هر کاری که می‌خوای بکنی.

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**38) employee** /ɪm'plɔ:ri:/ n.  
- The number of employees in the company has increased over the past decade.  
۵۰۴، تجربی ۹۳، زبان ۹۰، هنر ۸۵

**39) market** /'ma:(r)kit/n.  
- They have increased their share of the market by 10%,  
زبان ۹۳، هنر ۹۲، خارج از کشور ۹۲، تجربی ۸۹، خارج از کشور ۸۴

**40) fully** /full/ adv.  
- I fully accept that what he says is true.  
تجربی ۹۲، زبان ۹۲، ریاضی ۹۱، خارج از کشور ۹۱، انسانی ۹۰

**41) brilliant** /'briljənt/ adj.  
- She closed her eyes against the brilliant light.  
تجربی ۹۴، ریاضی ۸۹، زبان ۸۸، خارج از کشور ۸۶، زبان ۸۵

**42) visible** /vɪzɪbl / adj  
- The house is clearly visible from the seaside.  
انسانی ۹۴، زبان ۹۴، تجربی ۹۲، خارج از کشور ۹۱، زبان ۸۹، زبان ۸۷

**43) Invisible** /in'vɪzɪbl / adj  
- These bacteria are invisible unless viewed with a microscope.  
تجربی ۹۴، تجربی ۹۲، ریاضی ۹۰  
۸

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**33) article** /'a:(r)tɪkl/n.  
- There was an interesting article on the climate in the newspaper yesterday.  
- The articles found in the car helped the police to find the killer.  
تجربی ۹۲، ریاضی ۹۰، زبان ۸۹، خارج از کشور ۸۶، هنر ۸۵

**34) age** /erdz/ n, V.  
- We are living in the age of technology.  
زبان ۹۱، انسانی ۹۰، خارج از کشور ۹۰، تجربی ۸۸، انسانی ۸۸، ریاضی ۸۷، ریاضی ۸۵

**35) conduct** /kən'dakt/V, n.  
- The experiments were conducted by scientists in New York.  
ریاضی ۹۲، ریاضی ۸۹، تجربی ۸۹، ریاضی ۸۴

**36) carry out** /keri aut / v  
-The hospital is carrying out tests to find out what's wrong with her.  
تجربی ۹۴، ریاضی ۸۹، زبان ۸۹، هنر ۸۸، خارج از کشور ۸۴

**37) decoration** /dekalrez / n/ n  
- decorate v.  
- He's very good at home decoration.  
خارج از کشور ۹۴، خارج از کشور ۹۲، انسانی ۸۸، هنر ۸۵، خارج از کشور ۸۵  
۷

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**49) defend** /dr'fend/ v  
- I'm going to karate lessons to learn how to defend myself.  
خارج از کشور ۹۰، خارج از کشور ۸۹، ریاضی ۸۸، هنر ۸۸

**50) diet** /darət/ n.  
- Diet varies\* between different countries in the world.  
ریاضی ۹۳، تجربی ۹۳، انسانی ۹۲

**51) method** /mesəd/n.  
Travelling by train is still one of the safest methods of transport.  
ریاضی ۹۲، تجربی ۸۹، هنر ۸۶

**52) philosopher** /fi'la:səfə(r)/n.  
- Plato was a Greek philosopher  
هنر ۹۱، هنر ۹۰، ریاضی ۸۸، هنر ۸۸، تجربی ۸۶، خارج از کشور ۸۶، خارج از کشور ۸۴

**53) philosophy** /fi'la:səfi/n.  
- Emma studies philosophy at university.  
هنر ۹۱، خارج از کشور ۹۱، هنر ۹۰، تجربی ۸۶، خارج از کشور ۸۶

**54) economy** /ika:nəmi/ n.  
- economist n.  
- The war influenced the country 's economy.  
تجربی ۹۲، هنر ۹۲، ریاضی ۸۷، خارج از کشور ۸۶، انسانی ۸۶  
۱۰

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**44) engage** /ən'gɛrdʒ/ v.  
- Only 10 % of American adults engage in regular exercise.  
ریاضی ۹۳، زبان ۹۳، انسانی ۹۱

**45) expand** /ik'spænd/ v.  
- expansion n.  
- The computer industry has expanded greatly over the last decade  
۵۰۴، خارج از کشور ۹۴، هنر ۹۳، هنر ۹۲، خارج از کشور ۸۹

**46) camp** /kæmp/n., V.  
- We'll camp by the river for the night, and move on tomorrow.  
ریاضی ۹۲، ریاضی ۹۱، زبان ۹۱، تجربی ۸۹، خارج از کشور ۸۸

**47) arrange** /ə'reɪndʒ/V.  
arrangement n. The meeting has been arranged for Wednesday.  
ریاضی ۹۳، انسانی ۹۱، انسانی ۸۸، تجربی ۸۶، تجربی ۸۴، انسانی ۸۴

**48) generalize** /dsenralarʒ  
-Can the research findings be generalized to a wider population?  
خارج از کشور ۹۲، ریاضی ۹۱، انسانی ۸۸، تجربی ۸۶، تجربی ۸۴، انسانی ۸۴  
۹

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**61) equal** /i:kwəl, adj., n.  
- equally/ adv.  
- There is an equal number of boys and girls in the class.  
خارج از کشور ۹۴، زبان ۹۲، ریاضی ۹۲، زبان ۹۲، هنر ۹۲، انسانی ۸۴

**62) represent** /repri'zent/v.  
- representative n.  
- Ms. Ariaifar was chosen to represent the company at the conference.  
تجربی ۹۷، انسانی ۹۴، زبان ۹۴، هنر ۹۲، زبان ۹۲، تجربی ۹۰

**63) advance** /əd'væns/n., V.  
- advanced adj.  
- We have advanced greatly in our knowledge of the universe.  
ریاضی ۹۴، تجربی ۹۴، ریاضی ۹۳، ریاضی ۹۰، هنر ۹۰، زبان ۸۹، انسانی ۸۶، انسان ۸۶، خارج از کشور ۸۴

**64) leisure** /'lɛsə(r)/n.  
- These days we have more money and more leisure to enjoy it.  
تجربی ۹۳، زبان ۹۳، تجربی ۸۹

**65) battle** /'bætl/ n.  
- Thousands of soldiers were willing to go into battle to fight the enemy.  
هنر ۹۲، ریاضی ۹۰، خارج از کشور ۹۰، خارج از کشور ۸۹، ریاضی ۸۴

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**55) collection** /kə'lek/n/ n.  
- There was a collection of books and shoes on the floor.  
ریاضی ۹۳، ریاضی ۹۲، خارج از کشور ۹۱، ریاضی ۸۹، انسانی ۸۷، هنر ۸۵، خارج از کشور ۸۵

**56) geographical** /dʒiə'græfɪkl/ adj.  
- The importance of the town is because of its geographical location.  
هنر ۹۲، زبان ۹۱، انسانی ۹۰، زبان ۸۸، هنر ۸۷

**57) revolution** /revalua / n / n  
- The role of women has changed since the revolution  
تجربی ۹۲، هنر ۹۰، انسانی ۸۹، انسانی ۸۶

**58) gradually** /grædʒuəli /adv  
- Gradually, Bahar realized that he wasn't telling her the truth.  
انسانی ۹۰، زبان ۸۹، تجربی ۸۸، زبان ۸۸

**59) growth** /grəv/n.  
- Plant growth is most noticeable in spring and early summer.  
تجربی ۹۴، تجربی ۸۹، زبان ۸۷، زبان ۸۶، انسانی ۸۵، هنر ۸۴

**60) attack** /ə'tæk/ n., V.  
- Kazem was attacked while walking home late at night.  
زبان ۹۳، تجربی ۹۱، هنر ۹۱، زبان ۹۱، هنر ۹۰، خارج از کشور ۸۹، هنر ۸۸، خارج از کشور ۸۴  
۱۱

۳۸ حقوق بگیر، کارمند، کارگر

- در طول دهه ی اخیر، تعداد کارمندان این شرکت افزایش یافته است.

۳۹ بازار

- اونها سهم خودشون رو از بازار ۱۰٪ افزایش دادن،

۴۰ کامل، به طور کامل

- کاملا قبول دارم که اون چیزی که میگه درسته.

۴۱. روشن، درخشان ۲-باهوش زیرک ۳-زیرکانه،ماهرانه

- اون چشمهاشو در برابر نور درخشان بست.

۴۲ قابل دیدن، قابل رؤیت، مرئی .

- این خونه از ساحل دریا به وضوح قابل رؤیته

۴۳ نامرئی، غیر قابل رؤیت .

- این باکتریها غیرقابل رؤیت هستند، مگر اینکه با میکروسکوپ نگاه شوند.

۳۳ ۱- مقاله ۲- کالا، شیء

- دیروز توی روزنامه، یه مقاله ی جالب در مورد آب و هوا بود.

-اشیاء پیدا شده تو ماشین، به پلیس کمک کردن تا قاتل رو پیدا کنن.

۳۴ ۱- عصر، دوره ۲- پیر شدن

-ما در عصر فناوری زندگی می کنیم.

۳۵ ۱- اجرا کردن ۲- راهنمایی کردن، هدایت کردن ۳- رفتار، کردار

- آن آزمایشات به وسیله ی دانشمندان در نیویورک انجام شدند.

۳۶ اجرا کردن، انجام دادن

- بیمارستان اداره آزمایش هایی رو انجام میده تا بفهمه مشکل اون چیه.

۳۷ دکوراسیون، تزئین .

- تزئین کردن

- اون تو دکوراسیون خونه خیلی ماهره.

۴۹ دفاع کردن از، پشتیبانی کردن از

- دارم کلاس کاراته میرم تا یاد بگیرم چه طور از خودم دفاع کنم.

۵۰ ۱- غذا ۲- رژیم (غذایی)

- در بین کشورهای مختلف جهان، رژیم غذایی متفاوت است

۵۱ شیوه، روش، متد

- سفر کردن با قطار هنوز یکی از امن ترین راههای حمل و نقل است

۵۲ فیلسوف

- افلاطون فیلسوفی یونانی بود.

۵۳ فلسفه

- اما تو دانشگاه فلسفه میخونه.

۵۳ اقتصاد

- اقتصاددان

- جنگ بر اقتصاد این کشور اثر گذاشت.

۴۴ ۱- مشغول شدن ۲- استخدام کردن، به کار گرفتن

- فقط ۱۰٪ افراد بالغ آمریکایی به انجام ورزش منظم می پردازند.

۴۵ ۱- گسترش دادن، توسعه دادن ۲- گسترش یافتن، توسعه یافتن

- انبساط؛ توسعه

- در طول دهه ی اخیر، صنعت کامپیوتر خیلی گسترش پیدا کرده.

۴۶ ۱- کمپ، اردو ۲- چادر زدن، اردو برپا کردن

- امشب رو کنار رودخونه چادر می زنیم و فردا به راه خودمون ادامه می دیم.

۴۷ ۱- مرتب کردن، منظم کردن ۲- برنامه ریزی کردن ۱- ترتیب ۲- توافق

- جلسه برای چهارشنبه برنامه ریزی شده.

۴۸ تعمیم دادن، عمومیت بخشیدن به

- آیا می توان یافته های پژوهش را به جمعیت گسترده تری تعمیم داد؟

۶۱ برابر، مساوی

- به طور مساوی، به یک اندازه

- تو این کلاس، تعداد پسرها و دخترها مساویه.

۶۲ ۱- نمایندهی ... بودن ۲- علامت ... بودن، نشانه ی ... بودن

- نماینده

- خانم آریافر انتخاب شد تا تو کنفرانس نماینده ی شرکت باشه.

۶۳ ۱- پیشرفت، ترقی ۲- پیشرفت کردن ۳- پیش رفتن پیشرفته

- [ما در حوزهی] معلومات خودمان از جهان، خیلی پیشرفت کرده ایم.

۶۴ وقت آزاد، فراغت

- ما این روزها پول بیشتری داریم و وقت آزاد بیشتری هم داریم تا از آن اپولا

لذت ببریم.

۶۵ نبرد، رزم

- هزاران سرباز حاضر بودند وارد نبرد شوند تا با دشمن بجنگند.

۵۵ ۱- مجموعه، کلکسیون ۲- توده، انبوه

توده ای از کتاب و کفش روی زمین بود.

۵۶ جغرافیایی، (مربوط به) جغرافیا

- اهمیت این شهر به دلیل موقعیت جغرافیایی آن است.

۵۷ ۱- انقلاب ۲- دگر گونی بزرگ

- از زمان انقلاب، نقش زنان در جامعه تغییر کرده است.

۵۸ به تدریج، رفته رفته، کم کم

- بهار کم کم متوجه شد که اون حقیقت رو بهش نمیبغه.

۵۹ ۱- رشد، [گیاه] رویش ۲- [اقتصاد توسعه، گسترش

- رویش گیاهان بیشتر در بهار و اوایل تابستان مشهود است.

۶۰ ۱- حمله، هجوم ۲- حمله کردن به

- کاظم وقتی شب، دیروقت پیاده میرفت خونه، مورد حمله قرار گرفت.

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**71) persuade** /pə'sweɪd/v.  
- If she doesn't want to go, nothing you can say will persuade her. زبان ۸۸، ریاضی ۸۹، زبان ۹۰، ۵۰۴

**72) affect** /afekt  
- It's a disease that affects mainly older people. ریاضی ۹۳، زبان ۹۱، خارج از کشور ۹۰، زبان ۸۹، زبان ۸۷

**73) author** / :r ) / n  
He is the author of two books on French history. زبان ۹۴، ریاضی ۹۳، تجربی ۹۳، ریاضی ۹۱، انسانی ۹۱، ریاضی ۸۵، انسانی ۸۵

**74) frequent** /fri:kwənt/ adj.  
- frequently adv.  
- Her headaches are becoming less frequent. زبان ۹۳، انسانی ۹۲، تجربی ۹۱، انسانی ۹۱، هنر ۸۵

**75) solution** / sə'lu: sən/n.  
- There are no simple solutions to the problem of poverty. انسانی ۹۲، هنر ۹۲، تجربی ۹۱، انسانی ۸۴

**76) absolutely** /febsaluatli /adv  
- It's absolutely impossible to work with all this noise. ریاضی ۹۷

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**66) divide** /drvaɪd/v,  
- After the Second World War Germany was divided into two separate countries. خارج از کشور ۹۴، انسانی ۹۱، هنر ۹۰، زبان ۹۰، تجربی ۸۸، زبان ۸۸، خارج از کشور ۸۷

**67) volunteer** / vaɪlan ' tr / n  
- Schools need volunteers to help children to read. هنر ۹۳، خارج از کشور ۸۹

**68) culture** /kaltʃə(r)/n.  
- The children are taught to respect different cultures. انسانی ۹۴، هنر ۹۴، زبان ۹۳، زبان ۹۲، تجربی ۹۰، انسانی ۹۰، تجربی ۸۵، انسانی ۸۴، هنر ۸۴

**69) origin** /:rɪdʒɪn/ n.  
- Her unhappy childhood was the origin of her problems later in life. زبان ۹۳، انسانی ۹۲، هنر ۹۰، تجربی ۸۹، زبان ۸۷، ریاضی ۸۵

**70) original** /ə'rɪdʒɪnəl/ adj., n.  
- Originally/ adv,  
- I gave her a copy of the report and kept the original. هنر ۹۴، خارج از کشور ۹۴، ریاضی ۹۰، هنر ۸۹، زبان ۸۹، زبان ۸۴

۱۳

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**83) gain** /geɪn/ V., n  
- We need to gain a better understanding of the problem ریاضی ۹۲، خارج از کشور ۸۹، زبان ۸۸، هنر ۸۴، خارج از کشور ۸۴

**84) benefit** /'benɪfɪt/ n., V.  
.beneficial adj  
We're lucky to be able to get the full benefit of her knowledge. زبان ۹۳، تجربی ۹۴، انسانی ۹۴، خارج از کشور ۹۲، انسانی ۹۱، تجربی ۸۶، خارج از کشور ۸۴

**85) advantage** /əd'væntɪdʒ/n.  
One of the advantages of living in the country is the fresh air انسانی ۹۳، زبان ۹۳، ریاضی ۹۲، خارج از کشور ۹۴، ریاضی ۹۱، زبان ۹۱، ریاضی ۸۹

**86) substance** /sʌbstəns / n  
- Plutonium 238 is one of the most dangerous substances known to man. تجربی ۹۳، هنر ۹۰، زبان ۹۰، تجربی ۸۹، هنر ۸۹

**87)conclude** /kən'klu:d/v.  
- The manager concluded his speech by wishing us all a happy holiday. ۵۰۴، تجربی ۹۴، انسانی ۹۴، هنر ۹۱، انسانی ۹۰، هنر ۸۹، زبان ۸۸

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**77) widely** /waɪdli /adv  
- His work on DNA was widely admired. ریاضی ۹۴، زبان ۸۹، انسانی ۸۷، ریاضی ۸۵، تجربی ۸۵

**78) abroad** /brɔ: d / adv  
- We never travelled abroad when we were children. ۵۰۴، خارج از کشور ۹۲، انسانی ۸۸، هنر ۸۷، تجربی ۸۶

**79) throughout** /eru:'aʊt/ prep., adv.  
- The museum is open daily throughout the year. ریاضی ۹۴، تجربی ۹۴، خارج از کشور ۹۴، تجربی ۹۲، زبان ۹۱، ریاضی ۸۹، انسانی ۸۸

**80)anger** /n  
- I think he feels a lot of anger towards his father, who treated him very badly as a child. ریاضی ۸۹، انسانی ۸۶

**81) master** /'mɑ:stə(r)/n., V.  
- This painting is clearly the work of a master.  
- French was a language he had never mastered. تجربی ۹۲، هنر ۸۸، تجربی ۸۷، تجربی ۸۶

**82)afford** /ə'fɔ:(r)d/ V.  
- She never took a taxi, even though she could afford to. ریاضی ۹۲، زبان ۹۱، زبان ۸۶

۱۵

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**93) political** /pə'lɪtɪkəl/adj  
- politician n  
- Public education has become an important political issue in recent years. ریاضی ۹۳، هنر ۹۲، ریاضی ۹۰، هنر ۹۰، دریاپی ۸۸، زبان ۸۸، خارج از کشور ۸۶

**94) rate** /reɪt/ n., V.  
- Most people walk at an average rate of 5 kilometers an hour.  
- I rate cars as one of the worst polluters of the environment. تجربی ۹۲، زبان ۹۱، انسانی ۸۶، زبان ۸۶

**95) speculate** /spekjuleɪt/ v.  
- I don't know why she did it - I'm just speculating. هنر ۹۲، خارج از کشور ۹۲، زبان ۹۱، تجربی ۸۷، زبان ۸۶

**96) stage** /steɪdʒ/ n., V.  
- The project is in its final stages and should be completed by August. ریاضی ۹۲، هنر ۹۰، خارج از کشور ۹۰، زبان ۸۸، انسانی ۸۷، انسانی ۸۵

**97) technique** /tek'ni:k/n.  
- There are various techniques for dealing with industrial pollution. هنر ۹۳، زبان ۹۲، ریاضی ۹۱

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**88) deal** /dri:l/ v., n.  
- They still need a great deal more money to finish the project.  
- He 's good at dealing with pressure انسانی ۹۱، زبان ۹۱، خارج از کشور ۹۱، تجربی ۹۰، خارج از کشور ۹۰، هنر ۸۹، انسانی ۸۶، انسانی ۸۴

**89) decline** /dr'klaɪn/ n., V.  
- The number of tourists to the area declined by 10% last year. ریاضی ۹۲، زبان ۹۴، تجربی ۸۸، زبان ۸۵

**90) expert** /ekspɜ:(r)t/ n., adj.  
- My father is an expert on modern literature. ریاضی ۹۳، تجربی ۹۳، تجربی ۹۲، انسانی ۹۱، خارج از کشور ۸۵

**91) accurate** /ækjʊrət /adj  
- We hope to become more accurate in predicting earthquakes. ۵۰۴، زبان ۹۴، ریاضی ۹۳، تجربی ۹۳، خارج از کشور ۹۱، هنر ۸۹، تجربی ۸۹، انسانی ۸۸

**92) flow** /fləʊ/ n., V.  
- It's here that the river flows down into the ocean. تجربی ۹۱، زبان ۹۱، ریاضی ۸۹، زبان ۸۷

17

۷۱) ۱- ترغیب کردن، تشویق کردن ۲- متقاعد کردن

- آگه اون نمی خوادبره، هیچ چیزی که تو میتونی بگی، متقاعدش نخواهد کرد.

۷۲) اثر گذاشتن بر، تحت تأثیر قرار دادن

- این یه بیماریه که بیشتر افراد پیرتر رو تحت تأثیر قرار میده.

۷۳) نویسنده، مؤلف

- او نویسندهی دو کتاب در مورد تاریخ فرانسه است.

۷۴) ۱- معمول، متداول ۲- مکرر، فراوان

- اغلب، به کرات

- سردردهای اون داره کمتر میشه

۷۵) جواب، پاسخ، راه حل

- برای مشکل فقر، هیچ راه حل ساده ای وجود ندارد.

۷۶) مسلم، حتما، کاملا

- کار کردن با وجود این همه سر و صدا کاملا غیرممکنه

۶۶) تقسیم کردن، توزیع کردن

- بعد از جنگ جهانی دوم، آلمان به دو کشور مجزا تقسیم شد.

۶۷) داوطلب؛ کار داوطلبانه

- مدارس به داوطلبانی نیاز دارند تا به بچه ها در خواندن کمک کنند.

۶۸) فرهنگ

- به بچه ها یاد داده میشه که به فرهنگ های مختلف، احترام بذارن.

۶۹) منشأ، مبدأ، اصل

- دوران کودکی غم انگیز او، منشأ مشکلاتی بود که بعدها در زندگی

داشت.

۷۰) ۱- اولین، نخستین ۲- [نوشته، نسخه و ...] اصل، اصلی

۱- به صورتی ابتکاری ۲- از آغاز، در اصل

- به اون یه کپی از گزارش دادم و نسخه ی اصلی رو نگه داشتیم.

۸۳) ۱- به دست آوردن، کسب کردن، (پول) در آوردن ۲- سود، منفعت

- باید از این مشکل درک بهتری کسب کنیم

۸۴) ۱- سود، نفع ۲- فایده رساندن به ۳- فایده بردن

- سودمند، مفید

- خوش شانسیم که می تونیم از معلومات اون سود کامل رو ببریم.

۸۵) امتیاز، مزیت

- یکی از مزیت های زندگی تو روستا هوای تازه اس.

۸۶) ماده، چیز

- پلوتونیم ۲۳۸ یکی از خطرناک ترین مواد شناخته شده برای بشر است.

۸۷) ۱- به پایان رساندن، تمام کردن ۲- تمام شدن

- رئیس سخنرانی خودش رو با آرزوی تعطیلاتی خوب برای همه ی ما تموم کرد دی

۷۷) به شدت، به طور گسترده ای

- کارهای اون در مورد دی ان ای، به شدت مورد تحسین قرار گرفت.

۷۸) در خارج، به خارج، از خارج

-وقتی بچه بودیم، هیچ وقت به خارج سفر نمی کردیم.

۷۹) ۱- در تمام، در سرتاسر ۲- در طول، در تمام مدت

- این موزه در طول سال هر روز باز است.

۸۰) عصبانیت، خشم

- فکر می کنم اون نسبت به پدرش که تو دوران بچگیش باهاش خیلی بد رفتار می کرد، خیلی عصبانیه.

۸۱) ۱- استاد ۲- مسلط شدن بر

- بی تردید این نقاشی اثر یک استاد است.

- فرانسوی زبانی بود که اون هیچ وقت به اون مسلط نشده بود.

۸۲) استطاعت (قدرت خرید) ... را داشتن، از عهدهی ... بر آمدن

- اون هیچ وقت سوار تاکسی نمیشد، هرچند میتونست از عهده اش بر بیاد.

۹۳) سیاسی، (مربوط به سیاست) .

- سیاستمدار

- در سال های اخیر، آموزش همگانی یک موضوع سیاسی مهم شده است.

۹۴) ۱- سرعت، شتاب ۲- ارزش ... را تعیین کردن ۳- به حساب آوردن،

- در نظر گرفتن بیشتر افراد با سرعت متوسط ۵ کیلومتر در ساعت راه می روند.

- من ماشین رو یکی از بدترین آلاینده های محیط زیست در نظر می گیرم.

۹۵) ۱- حدس زدن ۲- تفکر کردن، تأمل کردن

نمیدونم چرا این کار رو کرد؛ فقط حدس می زنم.

۹۶) ۱- مرحله، گام ۲- در تئاتر صحنه، سن

این پروژه تو مراحل آخرشه و باید تا ماه آگوست کامل شه

۹۷) تکنیک، روش، فن

برای حل کردن مشکل آلودگی صنعتی، روش های مختلفی وجود دارد.

۸۸) ۱- معامله کردن ۲- از پس ... بر آمدن، حل کردن ۳- مقدار، اندازه

- اونها برای تموم کردن این پروژه هنوز به مقدار زیادی پول بیشتر نیاز دارن.

- اون راحت میتونه از پس فشار بر بیاد.

۸۹) ۱- کاهش، افت ۲- کاهش یافتن، کم شدن ۳- قبول نکردن

- توی سال گذشته، تعداد توریست های این منطقه ۱۰٪ کم شد.

۹۰) متخصص، کارشناس

- پدرم کارشناس ادبیات معاصر هستش.

۹۱) دقیق، درست

- امیدواریم که بتونیم تو پیش بینی زلزله دقیق ترشیم.

۹۲) ۱- (رود وغیره) جریان ۲- جاری شدن، ریختن ۳- [ترافیک] روان

بودن

- رود خونه تو اینجا (این نقطه) به اقیانوس میریزه.



۱۰۳) ماجرا، ماجراجویی

- چند ماجراجویی هیجان انگیز تو مصر داشت.

۱۰۴) نوازنده، موزیسین

- توی این کنسرت، نوازنده هایی از همه ی ملیت ها هستن.

۱۰۵) ۱- (مربوط به موسیقی ۲- اهل موسیقی

- این خانواده همه شون ساز میزنن، اونها همه شون به شدت اهل موسیقی هستن.

۱۰۶) دریا و غیره ساحل، لب دریا

- خط ساحلی

- من تو یه روستای کوچیک لب دریا زندگی می کنم

۱۰۷) تعیین کردن، مشخص کردن

- پلیس هنوز داره تلاش می کنه علت آتش سوزی رو تعیین کنه.

۱۰۸) ۱- شخص مصمم ۲- مقدار معین، مشخص

- سماحتماً کاری رو که می خواد می گیره. اون شخص خیلی مصممی هستش

۹۸) عادی، معمولی ۲- نمونه ی بارز.

- دانش آموزان تو یه روز عادی از ساعت ۷:۳۰ صبح تا ۱ بعدازظهر سر کلاس میرن

۹۹) [کلاس، جلسه و غیره] حاضر شدن در شرکت کردن در

- جلسه روز پنجم مهر برگزار میشه و ما امیدواریم که همه [تو اون] شرکت کنن

۱۰۰) ۱- کوشش، تلاش ۲- مبادرت کردن به، کوشیدن در

- پلیس در تلاش برای کم کردن ترافیک توی شهر، جاده رو بست

۱۰۱) ۱- دلیل، مدرک ۲- علامت، نشانه

- در حال حاضر ما هیچ نشانه ای از حیات در سایر سیارات نداریم.

۱۰۲) ۱- حد، محدودیت ۲- محدود کردن

- محدودیت محدود؛ اندک

- من و خانمم برای پولی که خرج لباس می کنیم حتی تعیین کردیم.

۱۱۵) هوش، ذکاوت

- جان از سن پایینی هوش بالای خودش رو نشون میداد.

۱۱۶) ۱- عملی ۲- مناسب، به دربخور

- عملاً، واقع بینانه

- اون در حل این نوع مشکلات، تجربه ی عملی زیادی داره.

۱۱۷) ۱- سفر، مسافرت ۲- سفر کردن، مسافرت کردن

- ما داریم به به کشور خارجی سفر می کنیم.

۱۱۸) تجهیزات، ابزار، امکانات

- مجهز

- دنبال یه سرگرمی میگردم که تجهیزات زیادی نیاز نداره.

۱۱۹) شدید، سخت، طاقت فرسا

- در بخش هایی از آفریقا کمبود شدید غذا وجود دارد.

۱۲۰) حقوق، در آمد

- اون تو کار فعلی خودش حقوق نسبتاً خوبی داره.

۱۰۹) اینچ (واحد طول برابر ۲,۴۵ سانتیمتر)

- در برخی مکان ها، عمق برف شش اینچ بود.

۱۱۰) همکاری، مساعدت

- همکاری کردن

- این شرکت با همکاری یک شرکت آلمانی، کامپیوتر تولید می کند.

۱۱۱) بیوگرافی، زندگی نامه

- اون به زندگی نامه از وینستون چرچیل نوشت.

۱۱۲) آگهی، تبلیغ

- برای فروختن ماشینت یه آگهی تو روزنامه ی محلی چاپ کن.

۱۱۳) محبوب، مورد علاقه

- «رنگ مورد علاقه ات چیه؟» «آبی»

۱۱۴) شدید، سخت، زیاد

- امروزه افراد جوان برای موفق شدن تحت فشار شدید هستند.

۱۲۶) ۱- مرتب، منظم ۲- مرتب کردن ۳- نظافت کردن

- خونه تمیز و مرتب بود.

۱۲۷) حداقل

- ما برای انجام این بازی به حداقل ده نفر نیاز داریم.

۱۲۸) حداکثر، بیشترین

- آن بمب به شکلی طراحی شده بود که باعث حداکثر میزان خسارت بشود.

۱۲۹) ۱- حرف و غیره قطع کردن ۲- مانع کار ... شدن

- ۱- وقفه ۲- مزاحمت

- کیان داشت تلاش می کرد تا توضیح بده چه اتفاقی افتاده بود اما اون، مدام حرفش

رو قطع می کرد.

۱۳۰) ۱- [محو] بچه ۲- شوخی کردن

- وقتی که داشتم کار می کردم رضایچه ها رو برد پارک.

۱۳۱) بسیار، خیلی

- قابل ملاحظه، قابل توجه

- مقدار نیاز به خواب از شخصی به شخص دیگر خیلی متفاوت است.

۱۲۱) حفظ کردن، محافظت کردن از

- ما باید از کاشتن درختهای جدید حمایت کنیم جنگل های موجود خودمون رو [هم]حفظ کنیم.

۱۲۲) کسب کردن، به دست آوردن، گرفتن

- در نهایت تونستم یه نسخه از گزارش رو به دست بیارم.

۱۲۳) ۱- امضا کردن ۲- علامت، نشانه

- امضا

- او گفت که نقاشی برای پیکاسو است، اما اون امضا نشده بود.

۱۲۴) ۱- فرض کردن، تلقی کردن، فکر کردن (که)

۲- مسئولیت به عهده گرفتن

- فکر کردم که همدیگر رو میشناسین، چون [هر دو تا تونا] به مدرسه می رفتین.

۱۲۵) ۱- معرفی کردن ۲- ارائه کردن، عرضه کردن ۳- هدیه، کادو

- آن دانشمند نتایجش (نتایج کارش) را به هیئت ارائه کرد.

- برای هدیه ی تولد برایش چی می تونم بگیرم؟





۱۳۸) ازدواج

- اون از ازدواج قبلی [خودش] سه تا دختر داره.

۱۳۹) شاه، سلطان

- شیر به عنوان سلطان جنگل شناخته میشه.

۱۴۰) ملکه

- ملکه امروز با رئیس جمهور فرانسه دیدار می کنه.

۱۴۱) شاعر

- ویلیام شکسپیر یک شاعر مشهور م انگلیسی بود.

۱۴۲) پیچیده، سخت

- این موضوع خیلی پیچیده اس، اما سعی [خودمو] می کنم و توضیح میدم.

۱۴۳) شرکت کردن، شرکت داشتن

- از همه توی کلاس انتظار می ره که تو این بحث ها به طور فعالی شرکت

۱۳۲) تجزیه کردن، تحلیل کردن، بررسی کردن

- باید بشینی و تحلیل کنی که چرا این قدر ناراحتی.

۱۳۳) ۱- کمبود، فقدان ۲- فاقد ... بودن، نداشتن

- تنها مشکل اون نداشتن اعتماد به نفسه.

۱۳۴) ۱- قاضی ۲- قضاوت کردن در مورد

- قضاوت

- او به مدت بیش از سی سال به عنوان قاضی خدمت کرد.

- قضاوت کردن در مورد اینکه آیا سیستم جدید واقعا یک پیشرفت هستش واقعا سخته.

۱۳۵) عدالت، عدل

- بی عدالتی

- اونها خواهان حقوق برابر و عدالت هستن.

۱۳۶) ۱- دادگاه ۲- [تنیس و غیره زمین

- لطفا برای دادگاه توضیح بدین که دقیقا چی دیدین.

۱۳۷) محدوده، طیف ۲کوه و غیره رشته ۳-نوسان داشتن، در تغییر بودن

- جمعیت این شهرها بین ۳ و ۵ میلیون در تغییر است.

۱۵۰) ۱- اصلی، عمده ۲- رئیس

- مشکل اصلی که ما الان توی این ناحیه داریم شیوع بیماری هستش.

۱۵۱) - خودمانی، دوستانه ۲- لباس [معمولی، غیر رسمی ۳- جلسه و غیره بدون تشریفات، غیر رسمی

۱- (به طور خودمانی، ۲- به طور غیر رسمی

- دو گروه توافق کردن تا یک جلسه ی غیر رسمی برگزار کنن.

۱۵۲) ۱- با تصویر توضیح دادن ۲- شرح دادن، توضیح دادن

- بذار یه مثال بزمن تا نکته رو توضیح بدم.

۱۵۳) سرانجام، بالاخره

- پرواز ما در نهایت با پنج ساعت تأخیر انجام شد

۱۵۴) فرصت، موقعیت

- برای خیلی از ورزشکارها، المپیک فرصتی که فقط یه بار تو زندگی تکرار می شه.

۱۵۵) تیز، برنده

- نوک این مداد به اندازه ی کافی تیز نیست.

۱۴۴) ۱- [موفقیت و غیره] دست یافتن به، رسیدن به

۲- [کار] انجام دادن

- همه ی روز رو کار کردم، اما احساس می کنم هیچ کاری رو انجام ندادم.

۱۴۵) [مسابقه و غیره] رقابت

- مجله های خیلی زیادی هستن که برای جذب خواننده ها رقابت می کنن.

۱۴۶) ۱- را شکست دادن، غلبه کردن بر

۲- شکست، باخت

- اگه بتونیم تیم ایتالیایی رو شکست بدیم، تا فینال پیش می ریم.

۱۴۷) ایمنی، امنیت

- لطفا برای ایمنی خودتون داخل هواپیما سیگار نکشین.

۱۴۸) ۱- نصب کردن

۲- دستگاه راه انداختن .

- به یکی دو نفر نیاز دارم تا بهم کمک کنن تجهیزات رو نصب کنیم.

۱۴۹) آشکار کردن، نشان دادن

- این آزمایش علت حقیقی مرگ را نشان داد.

۱۵۶) ۱- به طور ناگهانی، یک مرتبه

۲- به وضوح، آشکارا

در چند ماه اخیر، قیمتها به طور ناگهانی بالا رفتن.

۱۵۷) ۱- نادر، کمیاب

۲- غیر عادی

- برای اون خیلی غیر عادیه که یه روز رو نره مدرسه.

۱۵۸) به ندرت، کم

این روش تو آزمایشگاه های جدید به ندرت استفاده میشه.

۱۵۹) به ندرت، کم

- حالا که بچه داریم، به ندرت وقت می کنیم بریم سینما.

۱۶۰) هنرمند

- اون به عنوان یکی از بزرگترین هنرمندان سینما در قرن بیستم توصیف میشه.

۱۶۱) ۱- تقاضا، درخواست

۲- استفاده، مصرف

- این دانشگاه پذیرای درخواست های دانشجویان خارجی است.

۱۶۲) ۱- درخواست دادن، تقاضا کردن

۲- به کار گرفتن

- تا وقتی که آگهی اون کار رو دیدم، برای درخواست دادن خیلی دیر شده بود.

۱۶۳) ۱- لگد زدن (به)

۲- توپ شوت کردن

۳- لگد

- تا جایی که می تونستم توپ رو محکم شوت کردم.

۱۶۴) خوشایند، مطبوع، لذت بخش

- بعد از ساعت ها ایستادن، نشستن لذت بخش بود.

۱۶۵) ۱- لذت ۲- خوشحالی، شغف

این که امروز با تو اینجا هستیم، برام خیلی خوشحال کننده اس

۱۶۶) ۱- به تعویق انداختن، عقب انداختن ۲- [چراغ و غیره خاموش کردن

- بیشتر از این نمی تونم رفتن پیش دندان پزشک رو عقب بندازم.

۱۶۷) تفاوت، فرق

- بین زبان هایی که تو این دو ناحیه تکلم میشه تفاوت مشخصی وجود داره.



۱۷۴) با وجود این، با این حال  
 - احتمال کمی هست که تو تغییر این قانون موفق بشیم. با وجود این، مهمه که تلاش کنیم..  
 ۱۷۵) انتخاب کردن، برگزیدن  
 - اون تو سن فقط ۱۸ سالگی برای بازی کردن برای ایتما استرالیا انتخاب شد.  
 ۱۷۶) هشدار دادن به اخطار دادن به .  
 - بهش هشدار دادم که مراقب باشه، اما بهم گوش نکرد.  
 ۱۷۷) ۱- بر خلاف، بر عکس ۲- متفاوت، بی شباهت  
 - بر خلاف بیشتر افراد این اداره، من با ماشین سر کار نمیام.  
 ۱۷۸) بعید، غیر محتمل  
 - خیلی بعیده که اون قبل از ساعت هفت برسه.  
 ۱۷۹) با وجود، علی رغم  
 - اون با وجود درخواست دادن برای صدها کار، هنوز بیکاره

۱۸۶) اقلیت  
 - توی مدرسه ی من، بچه های تک سرپرست در اقلیت بودن.  
 ۱۸۷) [میوه و غیره] محصول، برداشت  
 - محصولات اصلی پرورش داده شده در این ناحیه، قهوه و برنج هستند.  
 ۱۸۸) ۱- به شمار آوردن، در نظر گرفتن  
 ۲- نگاه کردن برانداز کردن  
 ۳- احترام، حرمت  
 - همیشه پدر و مادرش اونو زرتنگ ترین بچه شون در نظر می گرفتن.  
 ۱۸۹) رو به بالا، به طرف بالا  
 - اون صورتش رو، رو به بالا به طرف خورشید چرخون  
 ۱۹۰) رو به پایین، به طرف پایین  
 - اون دراز کشیده بود در حالی که صورتش رو به پایین روی چمن بود.  
 ۱۹۱) به بعد، به آن طرف  
 - معمولا از ساعت پنج به بعد خونه هستم.

۱۹۷) ۱- مطلق، کامل ۲- جمع، جمع کل  
 - کاملا، به کلی  
 - این کشور مجموعا جمعیتی حدود ۱۰۰ میلیون نفر داره.  
 ۱۹۸) ۱- اضطراب، دلواپسی ۲- اشتیاق، شور و شوق  
 - بچه ها معمولا در مورد اولین روز مدرسه شون - خیلی احساس اضطراب می کنن.  
 ۱۹۹) سرطان  
 - امروزه می توان انواع بسیاری از سرطان ها را با موفقیت درمان کرد  
 ۲۰۰) آمبولانس  
 - یک آمبولانس به خانه ی او فراخوانده شد، اما تا وقتی که آنها برسند، اون فوت شده بود.  
 ۲۰۱) داشتن، صاحب ... بودن  
 - باید از کشاورزی که صاحب این زمین هستش اجازه بگیریم.  
 ۲۰۲) صاحب، مالک  
 - صاحب هتل محلی رو دیدم.

۱۶۸) تشخیص دادن، فرق گذاشتن .  
 - بچه ها تو چه سنی میتونن بین درست و غلط فرق بذارن؟  
 ۱۶۹) سنتی، قدیمی  
 - روستایی ها دلبستگی زیادی رو با ارزش های سنتی شون حفظ می کنن.  
 ۱۷۰) حفظ کردن، نگه داشتن  
 - حفظ کردن دمای ثابت در گلخونه مهمه است.  
 ۱۷۱) پیروزی، برد  
 - اون از برد تو فینال شنبه مطمئنه  
 ۱۷۲) در درجه ی اول، عمدتا  
 - شخصی که در درجه ی اول مسئله مدیر پروژه اس.  
 ۱۷۳) متأسفانه، به طور تأسف انگیزی ،  
 - متأسفانه وقتی زنگ زدیم بیرون بودی.

۱۸۰) با وجود، علی رغم  
 - ریکاردو علی رغم آسیب دیدگیش، تو مسابقه ی شنبه بازی می کنه.  
 ۱۸۱) ۱- شجاع، بی باک  
 ۲- عمل شجاعانه  
 - این کارت شجاعانه بود که جلوی همه ی اون افراد صحبت کردی.  
 ۱۸۲) معمولی، عادی  
 - خانمم فکر می کرد که راهنمامون غیر عادی، اما اون به نظر من کاملا عادی بود.  
 ۱۸۳) اصلی، عمده، بنیادی  
 - نگرانی اصلی دولت، پیشگیری از سوانح جاده ای است.  
 ۱۸۴) اکثریت، قسمت عمده  
 - اکثریت کارمندا مدرک دانشگاهی دارن.  
 ۱۸۵) کوچک، جزئی، بی اهمیت  
 - در برنامه چند تغییر جزئی ایجاد کرده ایم.

۱۹۲) ۱- شهر، کشور آمادری، زادگاه  
 ۲- از زبان مادری  
 ۳- [آداب و غیره بومی، محلی  
 - از وقتی که اون به سرزمین مادری خودش رفته، خیلی گذشته.  
 ۱۹۳) تا حدی، تا حدودی  
 - تا حدی به خاطر مادر بیمار شه که اون، کار پیشنهاد شده از خارج کشور رو قبول نکرده.  
 ۱۹۴) نسبتا، کمابیش  
 - استفاده کردن از این سیستم نسبتا راحت.  
 ۱۹۵) ۱- مستقر شدن  
 ۲- ساکن شدن، سکونت گزیدن  
 ۳- [دعوا و غیره پایان دادن، حل و فصل کردن  
 - اون همیشه فکر می کرد که ریه روزی شهر رو ترک می کنه و تو روستا مستقر می شه  
 - وقتش رسیده که اختلافات رو با پدرت حل و فصل کنی.  
 ۱۹۶) مهم، با اهمیت  
 - این دارو هیچ تأثیر با اهمیتی در جلوگیری از شیوع بیماری نداشته است.

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**209) presence** /prezns/n.  
- Your presence is requested at the club meeting on Friday.  
ریاضی ۹۱، تجربی ۸۶

**210) absence** /'æbsəns/n.  
- I expected to see her and was surprised by her absence.  
زبان ۹۱، زبان ۹۰

**211) effort**/efə(r)t/n.  
- The job will require a great deal\* of time and effort.  
تجربی ۹۲، خارج از کشور ۸۹، ریاضی ۸۵

**212) overall** /əvnrə:1/ adj., adv.  
- We don't want all the details now, just the overall picture.  
ریاضی ۹۴

**213) fresh water**/fres 'wɑ:tər/ n.  
- These plants are found in fresh water lakes and rivers.  
ریاضی ۹۲، ربانی ۹۱

**214) suit** /su:t/n., v.  
- Rice is grown a lot in this area - the soil seems to suit it very well.  
انسانی ۸۸، خارج از کشور ۳۷

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**203) property**/pra:pə(r)ti/n.  
- The hotel is not responsible for any loss or damage to guests' personal property.  
زبان ۸۹، هنر ۸۷

**204) meanwhile** /mianwall /adv  
- You can set the table. Meanwhile, I'll start making dinner.

**205) customer** /'kastəmər/n.  
- Mrs. Wilson is one of our regular customers.  
ریاضی ۹۳، زبان ۹۰

**206) custom** /'kastəm/ n.  
- It is the custom in that country for women to marry young.  
زبان ۹۲، انسانی ۹۰، انسانی ۸۷

**207) heaven** /'hevnr/ n.  
- heavenly adj  
- He believed that he and his wife would one day be together again in heaven.  
تجربی ۸۸، هنر ۸۸، ریاضی ۸۶

**208) hell** hel/ n.  
He says his time in prison was hell on earth.  
۳۷

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**221) govern** / gavərn/ v.  
- governor n.  
- They want to form their own country and govern themselves.  
هنر ۹۳، تجربی ۸۷، تجربی ۸۶

**222) romantic** /rəʊməntik/ adj.  
- His brother was having romantic troubles at the time.  
تجربی ۹۰، تجربی ۸۵

**223) wealthy** /welai/adj  
- Wealth /n  
- With their natural resources they are a very wealthy country.  
ریاضی ۹۰، زبان ۸۵

**224) miniature** /minətʃr/n.  
- The little boy looks like a miniature version of his father.  
۵۰۴، خارج از کشور ۹۴، انسانی ۸۵

**225) bath** /beə / n , W  
- After a week of camping, I really needed a bath.  
انسانی ۹۴، خارج از کشور ۹۲، انسانی ۸۸

**226) character** / keraktər ) / n  
- Politeness is traditionally part of the British character.  
زبان ۹۴، تجربی ۸۹، زبان ۸۷، تجربی ۸۵

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**215) suitably** /suitabl/adv  
- I am not really suitably dressed for a party.  
ریاضی ۹۱، انسانی ۹۰، ریاضی ۸۹

**216) nursery school** /'nɜ:(r)səri sku:1/ (US also preschool) n.  
- The parents are trying to find the right nursery school for their children.  
هنر ، ریاضی ۸۷، خارج از کشور ۸۷، زبان ۸۶

**217) classification** /klæsifi'ker/n/n.  
- classify v.  
- The classification of new species is extremely complicated.  
ریاضی ۹۰، زبان ۹۰، هنر ۸۵

**218) vital** /'vɑ:tl/ adj.  
- Richardson played a vital role in the team's success.  
۵۰۴، تجربی ۹۲، زبان ۸۴

**219) journalist** /dʒɜ:(r)nəlɪst/ n.  
- He is a journalist who has won awards for two of his stories.  
۵۰۴، هنر ۸۵

**220) steady** /'stedɪ/ adj.  
- steadily adv  
- Keep the camera steady while you take a picture.  
ریاضی ۸۹، ریاضی ۸۴

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**233) rail** /reɪl/ n.  
- There is a high-speed rail network in that country.  
۲۰۰۰، ریاضی ۸۷، زبان ۸۷

**234) railway** /'reɪlweɪ/ (BrE) (NAME railroad) n.  
- The railway is still under construction.  
انسانی ۸۹، خارج از کشور ۸۸، ریاضی ۸۷

**235) leather** /'leðə(r)/n.  
- The inside of the bag was covered with soft leather.  
خارج از کشور ۹۲، انسانی ۸۸

**236) chance** /t/ens/n..  
- If you give me a chance to speak, I'll explain.

**237) announce** /ə'naʊns/ V.  
- announcement n.  
- The government has announced plans to create 10,000 new jobs.  
ریاضی ۹۳، هنر ۸۷

**238) fashion**/fa/n/n,  
- Their music will never go out of fashion.  
خارج از کشور ۹۲، انسانی ۸۸

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**227) characteristic** /kærəktə'ristik/ n., adj.  
- A baby tries to discover the physical characteristics of objects.

**228) furniture** /fɜ:(r)nɪtʃə(r)/n.  
- The only piece of furniture he has in his bedroom is a bed.  
خارج از کشور ۹۱، انسانی ۸۸

**229) newborn** /nu:bɔ:(r)n/ adj., n.  
- The clothes were too big for her newborn baby but would fit him in a few months.  
خارج از کشور ۹۱، خارج از کشور ۹۰، خارج از کشور ۸۴

**230) middle** / midl / n . , adj  
- The noise woke us up in the middle of the night.

**231) the Middle Ages** /bo ' mdl eidʒɪz / n  
- The Middle Ages are the period in European history, between about 1000 AD and 1500 AD.  
تجربی ۹۲، خارج از کشور ۹۲، انسانی ۸۸

**232) profit** /pra:fit/ n.  
- A year ago the Japanese company had a profit of 35 million dollars.  
تجربی ۹۳

۲۰۹ حضور، بودن

- حضور شما در جلسه ی روز جمعه ی انجمن تقاضا می شود.

۱۱۰-۱ غیبت

۲- فقدان، نبود

- انتظار داشتم اون رو ببینم و از غیبتش تعجب کردم.

۲۱۱) کوشش، سعی، تلاش

- این کار به زمان و تلاش زیادی نیاز دارد.

۲۱۲) ۱- اندازه و غیره کل، کلی

۲- کلا ۳- روی هم رفته

ما الآن همه ی جزئیات را نمی خواهیم، فقط تصویر کلی

۲۱۳) آب شیرین

- این گیاهان در دریاچه های آب شیرین و رودخانه ها یافت می شوند.

۲۱۴) ۱- کت و شلوار

۲- مناسب ... بودن

۳- با ... سازگار بودن

- تو این ناحیه برنج زیاد رشد می کنه. به نظر میرسه که خاک این جا با این

گیاه خیلی خوب سازگار هستش.

۲۰۳) ۱- مال، دارایی

۲- خاصیت، ویژگی

این هتل مسئول هرنوع صدمه یا خسارت به اموال شخصی مهمان هانمی باشد.

۲۰۴) در این مدت، در این فاصله

- تو می تونی میز رو بچینی، در این فاصله، من اهم اشام رو درست می کنم.

۲۰۵) مشتری، خریدار

- خانم ویلسون یکی از مشتری های ثابت ماست.

۲۰۶) رسم، عادت، سنت

- توی اون کشور رسم هست که خانم ها جوان ازدواج کنن.

۲۰۷) ۱- بهشت

۲- آسمان، عرش

۱- ملکوتی ۲- آسمانی

- او اعتقاد داشت که او و همسرش، یک روز در بهشت دوباره با هم خواهند بود.

۲۰۸) جهنم

- او می گفت که دوران [حضورش] در زندان [مثل] جهنمی روی زمین بود.

۲۲۱) [کشور] حکومت کردن بر، فرمان راندن بر

- حاکم، فرماندار

- اونها می خوان کشور خودشون رو به وجود بیان و به خودشون حکومت کنن

۲۲۲) ۱- رمانتیک ۲- عاشقانه، عشقی

در اون زمان، برادرش مشکلات عشقی داشت.

۲۲۳) ثروتمند، پولدار

- ثروت، دارایی

- اون ها با داشتن منابع طبیعیشون کشور و بسیار ثروتمندی هستن.

۲۲۴) ۱- مینیاتور ۲- نمونه ی کوچک، نسخه ی کوچک

اون پسر بچه مثل نسخه ی کوچک پدرشه (خیلی شبیه پدرشه).

۲۲۵) ۱- استحمام، حمام ۲- حمام کردن

بعد از یه هفته اردو زدن، واقعا به حمام نیاز داشتم.

۲۲۶) شخصیت، منش، طبیعت

- به طور سنتی، مؤدب بودن بخشی از منش بریتانیایی است.

۲۱۵) به نحو مناسبی، به طرز شایسته های

- برای یه مهمونی واقعا به نحو مناسبی لباس نپوشیدم.

۲۱۶) مهد کودک، کودکستان

- پدر و مادرها دارن تلاش می کنن برای بچه هاشون مهد کودک مناسبی پیدا کنن.

۲۱۷) طبقه بندی، دسته بندی

- طبقه بندی کردن، دسته بندی کردن

- دسته بندی گونه های جدید خیلی پیچیده اس

۲۱۸) ۱- حیاتی، زندگی بخش ۲- ضروری، بسیار مهم

ریچاردسون در موفقیت تیم نقش بسیار مهمی بازی کرد.

۲۱۹) روزنامه نگار، خبرنگار

- او روزنامه نگاری است که برای دو تا از گزارش هایش جوایزی برده است.

۲۲۰) ۱- سرعت و غیره ثابت

۲- محکم، قوی

۱- به طور ثابت ۲- محکم، استوار

- در حالی که عکس می گیری، دوربین رو محکم نگه دار.

۲۲۳) ۱- خط آهن، ریل

۲- راه آهن، قطار

- توی اون کشور، یک شبکه ی راه آهن سریع السیر وجود داره.

۲۲۴) خط آهن

- خط آهن هنوز در حال احداث است.

۲۲۵) چرم

- داخل کیف از چرم نرمی پوشیده شده بود.

۲۲۶) ۱- امکان، شانس

۲- فرصت ۳- اتفاق، پیشامد

- اگه بهم فرصت بدی حرف بزنم، توضیح میدم.

۲۲۷) اعلام کردن، اعلان کردن

- اطلاعیه، اعلام

- دولت برنامه هایی را اعلام کرده است تا ۱۰۰۰۰ شغل جدید ایجاد کند.

۲۲۸) ۱- مد، باب ۲- طرز، شیوه، روش

- موسیقی اونها هیچ وقت از مد نمی افته (کهنه نمیشه).

۲۲۷) ۱- ویژگی، خصوصیت ۲- ویژه، خاص

- یک نوزاد تلاش می کند تا متوجه ویژگی های فیزیکی اشیاء شود.

۲۲۸) خانه و غیره اسباب، اثاثیه، مبلمان

- تنها قطعه ی مبلمانی که اون در اتاق خوابش داره، یه دونه تخت خواب هستش.

۲۲۹) ۱- تازه متولد شده ۲- نوزاد

- اون لباس ها برای نوزاد تازه متولد شده اش خیلی بزرگ بودن ولی تا چند

ماه اندازه اش میشدن

۲۳۰) ۱- وسط، میان ۲- وسطی، میانی

- اون سر و صدا ما رو وسط شب بیدار کرد.

۲۳۱) قرون وسطی

- قرون وسطی دورانی در تاریخ اروپا بین سال های ۱۰۰۰ و ۱۵۰۰ میلادی می

باشد.

۲۳۲) سود، منفعت

اون شرکت ژاپنی، یک سال قبل ۳۵ میلیون دلار سود داشت.

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**245) grocery** /grəʊsəri/ (NAME usually grocery store) n.  
- We stopped to buy some food from the grocery store.  
تجربی ۹۱، ریاضی ۹۰

**246) mysterious** /Imr 'stirias / adj  
A mysterious illness has been spreading through the city.

**247) pack** /pæk/v., n.  
We're leaving early tomorrow morning, so you'd better pack tonight.  
The information pack consists of a brochure and a map.  
ریاضی ۹۱، هنر ۹۱

**248) package** /pækidz/n., V.  
There's a package here for a Miami Lakes address.

**249) image** /'ɪmɪdʒ/n.  
- He looked at his own image reflected in the water.  
انسانی ۹۴، خارج از کشور ۹۴، ریاضی ۹۱، هنر ۸۹

**250) tissue** /'tifu:/ n.  
The drug can damage the body's tissues.  
زبان ۹۱، هنر ۸۹، هنر ۸۴

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**239) generate** /dzenərett/ V.  
- These measures will increase the club's ability to generate income.

**240) generation** / adsena ' rein / n  
- We need to preserve the planet Earth for future generations.

**241) fame** /ferm/ n.  
- She moved to London in search of fame and fortune.  
هنر ۹۲، هنر ۹۱، تجربی ۸۵

**242) addiction** /ədik/n/ n.  
- He is now fighting his addiction to alcohol.  
هنر ۹۲

**243) definite** /definət/ adj.  
- There's been a definite improvement in your English since you arrived.  
زبان ۹۰، تجرای ۸۹

**244) definitely** /'definətli/ adv.  
The date of the move has not been definitely decided yet. ۴۳

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**257) psychology** /sar'ka:lədʒi/n.  
You have to use psychology to get people to stop smoking.  
انسانی ۹۴، ریاضی ۹۲، انسانی ۸۸

**258) retire** /ri'tarə(r)/V.  
He is retiring next year after 30 years with the company.  
تجربی ۸۸، ریاضی ۸۴

**259) somehow** /l'samhau/ adv.  
It won't be easy, but we'll get across the river somehow.  
تجربی ۹۴، زبان ۹۱، زبان ۸۴

**260) background** /'bækgraund/ n.  
Students with a background in chemistry will probably find the course easier.  
ریاضی ۹۴، ریاضی ۹۳، ریاضی ۸۷

**261) sight** /salt / n  
If your sight is poor, you should not drive a car.  
ریاضی ۹۴، ریاضی ۹۰، زبان ۸۴

**262) proportion** /prə'pɔ:(r)sn/ n.  
Children make up a large proportion of the World's population,  
تجربی ۸۴، زبان ۸۴، ۴۶

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**251) revolve** /rr'vd:lv/v.  
- The Earth revolves around the Sun.  
ریاضی ۹۰، زبان ۹۰، انسانی ۸۹

**252) proof** /pru:f/n.  
-Do they have any proof that it was Harry who stole the money?  
ریاضی ۸۹

**253) mix** /miks / v  
- Oil and water don't mix. Even if you shake them together they separate into two layers.

**254) mixture** /mikst/ar/n.  
- We listened to the news with a mixture of surprise and horror.  
خارج از کشور ۹۲، زبان ۹۰

**255) additional** /'disənɪ/ adj.  
- Additional information can be obtained from the center.  
انسانی ۹۰ و خارج از کشور ۸۹

**256) found** /faund/ V.  
- The college was founded by King Henry VI in 1440.  
خارج از کشور ۹۲، خارج از کشور ۸۹، هنر ۸۸، ۴۵

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**268) neighbourhood** /nerbə(r)hud/ (BrE) (NAME neighborhood) n.  
There were lots of kids\* in our neighborhood when I was growing up.  
زبان ۸۵، انسانی ۸۴

**269) appoint** /a'pɔɪnt/ v.  
She was appointed professor of chemistry at the university.  
هنر ۸۴، انسانی ۸۴، ریاضی ۸۹

**270) association** /əsəʊfi'eɪfn/ n.  
They have maintained\* a close association with a college in the US.  
هنر ۹۳، ریاضی ۸۶

**271) associate** /ə'sou fiert/v.  
You wouldn't normally associate these two writers - their styles are completely different.  
زبان ۹۳

**272) double** /dabl/adj., det., adv., n., V.  
-Company profits have doubled since the intro -duction of new technology  
زبان ۹۴، خارج از کشور ۹۱، ریاضی ۸۹

**273) expense** /ik'spens/n.  
We've just had a new garage built at great expense.  
انسانی ۹۷، تجربی ۹۰

**274) fairly** /ferli/ adv  
I'm fairly sure that this is the right address. ۴۸  
هنر ۹۲، انسانی ۸۹

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

**263) adviser** /əd'vaɪzə(r)/n.  
She is the company's main economic adviser.  
زبان ۹۰

**264) issue** /isu:/ v.  
The school issued a statement about its future plans.  
- Work permits were issued to only 5% of those who applied\* for them.  
زبان ۸۵، خارج از کشور ۸۴

**265) introduction** /intrə'daksn/n.  
- introductory / adj  
- Since its introduction last year, over a million copies of the software have been sold.  
- In the introduction he explains why he wrote the book,  
انسانی ۹۰

**266) handicapped** /handikaept/ adj.  
He has been handicapped since his motorcycle accident.  
خارج از کشور ۸۹، ریاضی ۸۷، انسانی ۸۷

**267) spot** /spa : t / n , V  
The police were called and they were on the spot within three minutes.  
۴۷ ریاضی ۹۱، انسانی ۹۰، ریاضی ۸۸

**۲۴۵) ۱- خواربارفروشی****۲- در جمع خواربار**

- ما توقف کردیم تا از خواربارفروشی کمی غذا بخریم.

**۲۴۶) مرموز، اسرار آمیز، عجیب**

- به بیماری عجیب در حال شیوع در تمام شهر است.

**۲۴۷) ۱- بستن، تو جعبه گذاشتن ۲- چمدان خود را بستن ۳- بسته، کوله**

- فردا صبح زود حرکت می کنیم، پس بهتره امشب چمدانت رو ببندی

- این بسته ی اطلاعاتی شامل یک بروشور و یک نقشه است.

**۲۴۸) ۱- بسته ۲- پاکت، بقیچه ۳- بسته بندی کردن**

- این جایه بسته برای آدرس میامی لیکس هست

**۲۴۹) تصویر، عکس**

- اون به تصویر خودش که توی آب منعکس شده بود، نگاه کرد.

**۲۵۰) ۱- زیست شناسی بافت، نسج****۲- دستمال کاغذی**

- این دارو می تواند به بافت های بدن صدمه بزند

**۲۳۹) به وجود آوردن، تولید کردن**

- این اقدامات، توانایی باشگاه را برای درآمدزایی افزایش خواهد داد.

**۲۴۰) ۱- نسل****۲- تولید مثل**

- ما باید سیاره ی زمین را برای نسل های آینده حفظ کنیم.

**۲۴۱) شهرت، آوازه**

- او در جست وجوی شهرت و ثروت به لندن رفت.

**۲۴۲) اعتیاد**

- اون الان داره با اعتیادش به الکل مبارزه می کنه.

**۲۴۳) قطعی، مسلم، واضح**

- از وقتی که اومدی، توی دانش انگلیسی پیشرفت واضحی وجود داشته.

**۲۴۴) ۱- مسلم، به طور قطع****۲- آشکارا، به روشنی**

- تاریخ جابه جایی هنوز به طور قطع تعیین نشده.

**۲۵۷) روان شناسی**

- برای ترغیب کردن افراد به ترک سیگار باید از روان شناسی استفاده کنید.

**۲۵۸) ۱- بازنشسته شدن ۲- بازنشسته کردن**

- و اون سال آینده، بعد از ۳۰ سال [بودن] با این شرکت، بازنشسته میشه.

**۲۵۹) به یک نحوی، به طریقی**

- آسون نخواهد بود، ولی به به نحوی از رودخونه رد خواهیم شد.

**۲۶۰) ۱- پس زمینه، زمینه ۲- [شخص] تجربیات، آموخته ها**

- احتمالاً این دوره برای دانش آموزانی که در درس شیمی آموخته های

دارند، آسان تر خواهد بود.

**۲۶۱) ۱- بینایی، دید ۲- دیدن، رؤیت**

- اگر بینایی تان ضعیف است، نباید رانندگی کنید.

**۲۶۲) ۱- بخش، قسمت ۲- نسبت، تناسب**

- بچه ها بخش بزرگی از جمعیت جهان را شکل می دهند.

**۲۵۱) ۱- [سیاره و غیره چرخیدن]****۲- چرخاندن**

- زمین دور خورشید می چرخد.

**۲۵۲) شاهد، دلیل، مدرک**

- اونها هیچ مدرکی دارن که هری بود که پول رو دزدید؟

**۲۵۳) مخلوط کردن، قاطی کردن**

- نفت و آب با هم مخلوط نمی شوند. حتی اگر آنها را با هم تکان دهید، به

دولابهی جدا تقسیم می شوند.

**۲۵۴) مخلوط، آمیزه، ترکیب**

- ما با ترکیبی از تعجب و ترس به اخبار گوش میدادیم.

**۲۵۵) اضافی، بیشتر**

- اطلاعات بیشتر را می توانید از مرکز کسب کنید.

**۲۵۶) شهر، دانشگاه و غیره بنا کردن، تأسیس کردن**

- این کالج در سال ۱۴۴۰ توسط شاه هنری ششم تأسیس شد.

**۲۶۸) محل، محله، ناحیه**

- وقتی بزرگ میشدم، توی محله مون خیلی بچه بود.

**۲۶۹) ۱- منصوب کردن ۲- تعیین کردن، معین کردن**

- او در دانشگاه به عنوان استاد شیمی منصوب شد.

**۲۷۰) ۱- انجمن، مجمع، کانون ۲- معاشرت ۳- ارتباط**

- آنها با یک کالج در ایالات متحده، ارتباط نزدیکی را حفظ کرده اند.

**۲۷۱) با هم پیوند دادن، (به هم ربط دادن)**

- به طور طبیعی این دو نویسنده را به هم ربط نمی دهید. سبک آنها کاملاً

متفاوت است.

**۲۷۲) ۱- دوبرابر، مضاعف ۲- دو برابر کردن ۳- دو برابر شدن**

- از زمان معرفی فناوری جدید، سود شرکت دو برابر شده است.

**۲۷۳) خرج، هزینه**

- ما به تازگی با هزینه ای زیادیه پارکینگ تازه ساخته ایم.

**۲۷۴) نسبتاً، کمابیش، تا حدی**

- تا حدی مطمئنم که این آدرس درسته

**۲۶۳) مشاور**

- او مشاور اقتصادی اصلی شرکت است.

**۲۶۴) ۱- کتاب و غیره منتشر کردن ۲- گذرنامه و غیره صادر کردن**

- مدرسه در مورد برنامه های آینده اش بیانیه ای منتشر کرد

- فقط برای ۵٪ از افرادی که درخواست جواز کار دادند، پروانه صادر شد.

**۲۶۵) ۱- عرضه، ترویج ۲- معرفی ۳- [کتاب] مقدمه**

- مقدماتی

- این نرم افزار از زمان عرضه اش در سال گذشته، بیش از یک میلیون نسخه

فروش رفته.

- او در مقدمه توضیح می دهد که چرا این کتاب را نوشت.

**۲۶۶) عقب افتاده، معلول**

- اون از زمان تصادف موتورس معلول شده.

**۲۶۷) ۱- جا، محل ۲- خال، لک ۳- پیدا کردن، دیدن**

- با پلیس تماس گرفته شد و آنها ظرف سه دقیقه در محل حاضر بودند.



زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

281) primitive /'prɪmətri/ adj.  
Primitive people lived in this region 10,000 years ago.  
تجربی ۹۲، انسانی ۸۷

282) republic / rɪ'pʌblɪk/ n  
The newly independent\* republics were formed after the revolution.  
انسانی ۹۴، هدر ۹۲ زبان ۸۷، تورم دی ۸۵

283) side effect /saɪd i'fekt/n.  
They are studying the harmful side effects of using chemicals to kill insects.  
هنر ۹۱، ریاضی

284) tend /tend/v.  
People tend to think that the problem will never affect\* them.  
خارج از کشور ۹۲، تجربی ۸۸

285) tendency / 'tendənsi / n  
There is a growing tendency to regard\* money more highly than quality of life.

286) calculate / kɒlkjɪleɪt /v = calculator n.  
He's calculated that it would take him two years to save up enough for a car.  
۵۰ انسانی ۹۴، خارج از کشور ۹۴

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

275) mechanical /mə'kæni:kəl/ adj.  
The company produces mechanical parts for airplane engines.  
انسانی ۹۳، زبان ۸۹، خارج از کشور ۸۹

276) mechanics /mə'kæni:kz/ n.  
Students learn basic mechanics in the school's car maintenance department.  
ریاضی ۸۸

277) reasonably /'ri:znəbli/ adv.  
She seems reasonably happy in her new job.  
We tried to discuss the matter calmly and reasonably.  
انسانی ۹۰، خارج از کشور ۸۶

278) essay / 'eser/n.  
I want to write an essay on the causes of the First World War.  
خارج از کشور ۸۶، تجربی ۸۵، تجربی ۸۴

279) adopt /ə'dɑ:pt/v.  
They have no children of their own, but they're hoping to adopt,  
خارج از کشور ۹۴، خارج از کشور ۹۰

280) afterwards /æftəwərdz/ (especially BrE; NAME usually afterward) adv.  
We had tea, and afterwards we sat in the garden for a while.  
ریاضی ۹۰، انسانی ۸۴

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

293) mobile /'məʊbl/ n., adj.  
Have you got my mobile number?

294) cell phone /sel fəʊn/ (also cellular phone & mobile phone) (especially NAME) n.  
The use of cell phones is not permitted on most airplanes.  
تجربی ۸۶

295) billion /'bɪljən/n,  
The final cost of the project could be as much as one billion dollars.  
تجربی ۹۴

296) blood pressure /blʌd 'pre sə(r)/n.  
The nurse will take your blood pressure in a moment.

297) legal /'li:gl/adj.  
o legally adv.  
What the company has done is perfectly legal.  
هنر ۸۴

298) illegal /ɪ'li:gl/ adj.  
In many countries, it is illegal to sell cigarettes\* to someone under 16.  
هنر ۸۴

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

287) import /ɪm'pɔ:t/ n, V  
We import a large number of cars from South Korea.  
انسانی ۸۵

288) export / eks'pɔ:t / n, V  
Our clothes sell so well in this country that we have no need to export.

289) shortly / ʃɔ:rtli/adv.  
Shortly after you left, a man came into the office looking for you.  
تجربی ۹۰، خارج از کشور ۸۸

290) cigarette /'sɪgəret/ n.  
He lit a cigarette just after his dinner.  
زبان ۸۵

291) target /tɑ:(r)ɡɪt/n.  
Set yourself targets that you can reasonably\* hope to achieve\*.  
خارج از کشور ۹۴، ریاضی ۹۱

292) occasionally / lə'keɪzənli/adv.  
Occasionally I'll have a piece of chocolate, but it's quite rare\*  
ریاضی ۹۴- ریاضی ۹۰

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

305) circular /'sɜ:kjələ(r)/ adj.  
There is a circular table in the living room.  
خارج از کشور ۹۰، خارج از کشور ۸۹

306) circulate /sɜ:(r)kjələt/v  
Swimming helps to get the blood circulating through the muscles.  
انسانی ۹۱

307) whale /weɪl/ n., V.  
There are several types of whale, some of which are hunted\*  
تجربی ۹۳، انسانی ۹۰، زبان ۹۰

308) creative /kri'eɪtɪv/ adj.  
This job is so boring. I wish I could do something more creative.  
انسانی ۹۴

309) creature /kri:ʃə/ n  
Blue whales\* are the largest creatures ever to have lived.  
هنر ۸۷

310) explode /ɪk 'spləʊd / v  
- A bomb exploded at one of London's busiest railway\* stations this morning.  
تجربی ۹۰

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

299) cleanliness / klenɪnəs / n  
We have a very high standard of cleanliness in our hotel.  
هنر ۹۲، زبان

300) claim /kleɪm/ V., n.  
The company claims that it is not responsible for the pollution in the river.  
ریاضی ۹۳، انسانی ۸۹

301) singer /sɪŋə(r)/n.  
- He is a famous Italian opera singer.

302) song /sɔ:ŋ/n.  
She taught us the words of a French song.  
خارج از کشور ۸۷

303) dance /dɑ:ns/ n., V.  
The children stayed in the nursery school\* singing and dancing.  
خارج از کشور ۹۰، خارج از کشور ۸۸

304) architect /ɑ:(r)kɪtekt/n.  
In some countries, it takes seven years to become a fully\* qualified architect.  
۵۰۴، انسانی ۹۴، انسانی ۸۴

(۲۸۱) ابتدایی، آغازین، نخستین

- انسان های نخستین ۱۰۰۰۰ سال قبل در این منطقه زندگی می کردند.

(۲۸۲) حکومت جمهوری، جمهوری

- جمهوری های تازه استقلال یافته بعد از انقلاب شکل گرفتند.

(۲۸۳) [در جمع] عوارض جانبی، اثرات جانبی

- آنها عوارض جانبی زیان بخش استفاده از مواد شیمیایی برای کشتن حشرات را مطالعه می کنند.

(۲۸۴) ۱- تمایل داشتن، گرایش داشتن ۲- مستعد بودن ۳- مراقبت کردن از

- مردم تمایل دارن فکر کنن که این مشکل هیچ وقت اونها رو تحت تأثیر قرار نمیده.

(۲۸۵) ۱- تمایل، گرایش ۲- استعداد

- در بین مردم تمایل فزاینده ای وجود داره که پول از کیفیت زندگی مهم تر تلقی بشه

(۲۸۶) حساب کردن، محاسبه کردن

- ماشین حساب

- اون حساب کرده که دو سال طول می کشه تا اپول کافی برای خریدنا به ماشین

پس انداز کنه

(۲۷۵) مکانیکی، (مربوط به ماشین)

این شرکت برای موتورهای هواپیما قطعات مکانیکی تولید می کند.

(۲۷۶) علم مکانیک

دانش آموزان مکانیک مقدماتی را در گروه نگهداری اتومبیل مدرسه یاد می گیرند.

(۲۷۷) ۱ به طور منطقی، به طور معقول

۲- به طور قابل قبولی ۳- به نسبت، نسبتا

- اون تو شغل جدیدش به نسبت راضی به نظر میرسه.

- ما تلاش می کردیم در مورد اون موضوع با آرامش و به طور منطقی بحث کنیم.

(۲۷۸) انشا، مقاله، تحقیق

- میخوام در مورد علل شروع جنگ جهانی اول، مقاله بنویسم.

(۲۷۹) ۱- کودک به فرزندی پذیرفتن ۲- عقیده، روش اقتباس کردن، اتخاذ کردن

- اونها از خودشون هیچ بچه ای ندارن، ولی امیدوار هستن که بچه ای رو به

فرزندى بپذیرن.

(۲۸۰) سپس، بعدا

- جای خوردیم و سپس مدتی رو توی باغ نشستیم.

(۲۸۷) ۱. [کالا] واردات ۲- وارد کردن .

- ما از کره جنوبی تعداد زیادی اتومبیل وارد می کنیم.

(۲۸۸) ۱ - [کالا] صادرات ۲- صادر کردن

- لباس های ما اونقدر تو این کشور خوب فروش میرن که هیچ نیازی به صادر کردن اونها نداریم.

(۲۸۹) ۱- کمی، اندکی ۲- به زودی، همین زودبها

- کمی بعد از اینکه رفتی، آقای اومد توی اداره او دنبال تو می گشت.

(۲۹۰) سیگار

- اون درست بعد از شامش به سیگار روشن کرد.

(۲۹۱) هدف، نشانه

- برای خودت اهدافی رو تعیین کن که بتونی به

- طور منطقی امیدوار باشی ابه اونها برسی.

(۲۹۲) هر از چندی، گاه گاه

- گاه گاه به تکه شکلات خواهم خورد، اما این کارا تقریبا غیر عادیه.

(۲۹۳) ۱- تلفن همراه، موبایل

۲- قابل جابه جایی، سیار

- شماره موبایلم رو داری؟

(۲۹۴) تلفن همراه، موبایل

- در بیشتر هواپیماها، استفاده از تلفن همراه مجاز نیست.

(۲۹۵) میلیارد

- هزینه ی نهایی این پروژه میتونه به یک میلیارد دلار اهم برسه.

(۲۹۶) [پزشکی] فشار خون

- پرستار تا به لحظه فشار خونتون رو میگیره.

(۲۹۷) ۱- قانونی، مجاز

۲- حقوقی

- قانوناً، به لحاظ قانونی

- کاری که این شرکت انجام داده کاملا قانونیه

(۲۹۸) غیر قانونی، خلاف قانون

- در بیشتر کشورها فروختن سیگار به یک شخص زیر ۱۶ سال غیر قانونیه

(۳۰۵) گرد، دایره ای

- توی اتاق نشیمن یه میز گرد هست.

(۳۰۶) چرخیدن، دور زدن، جریان یافتن

- شنا کردن کمک می کند که خون در عضلات جریان پیدا کند

(۳۰۷) نهنگ، وال

- چند نوع نهنگ وجود دارد که بعضی از آنها شکار می شوند.

(۳۰۸) [ذهن، شخص و غیره] اخلاق، خلاقانه

- این کار کسل کننده اس. کاش می تونستم به کار خلاقانه تر انجام بدم.

(۳۰۹) ۱- موجود ۲- جانور، حیوان

- نهنگهای آبی بزرگ ترین موجوداتی هستند که تاکنون اروی کره ی زمین

زندگی کرده اند.

(۳۱۰) ۱- منفجر کردن ۲- منفجر شدن

امروز صبح در یکی از شلوغ ترین ایستگاه های راه آهن لندن، بمبی منفجر

شد.

(۲۹۹) ، پاکیزگی، تمیزی، نظافت

- ما در هتل خودمان استاندارد بسیار بالایی از نظافت داریم.

(۳۰۰) ۱- ادعای ... را کردن ۲- ادعا، مطالبه

- این شرکت ادعا می کند که مسئول آلودگی رودخانه نیست.

(۳۰۱) خواننده

- او یک خواننده ی آپرایی ایتالیایی مشهور است.

(۳۰۲) ۱- ترانه ۲- آهنگ

- او کلمات یک ترانه ی فرانسوی را به ما یاد داد.

(۳۰۳) ۱- رقصیدن ۲- رقص

- بچه ها تو مهد کودک موندن، آواز می خوندن و می رقصیدن.

(۳۰۴) معمار، آرشیستکت

- در بعضی از کشورها، هفت سال طول می کشد که معمار کاملا واجد شرایط

شوید.

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

317) remark /rɪ'mɑ:(r)k/ n., V.  
-Anderson left the table, remarking that he had some work to do.

318) remarkable /rɪ'mɑ:(r)kəbl/ adj.  
-The 20th century was remarkable for its inventions.  
تجربی ۹۳، خارج از کشور ۹۲

319) gallery /gæləri/n.  
-There are a few museums and art galleries in the city.  
انسانی ۸۹

320) darkness /'dɑ:rknəs/n.  
-The lamp suddenly went out, leaving us in darkness.  
ریاضی ۹۰، تجربی ۸۹

321) interview /'ɪntə(r)vju: / n., V.  
-He has an interview next week for the manager's job.  
هنر ۹۲

322) actor /'æktə(r)/n.  
-Who ' s your favorite \* actor?""Charlie Chaplin.  
انسانی ۹۴، هنر ۹۳  
۵۶

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

311) explosion /ɪk'splau/n/n,  
Several people were injured in the bomb explosion.  
تجربی ۹۰ خارج از کشور ۸۴

312) bacteria /bæk'tɪriə/ (plural of bacterium) n.  
This is an illness caused by bacteria in drinking water.  
زبان ۹۱

313) aim /eɪm/n., V.  
- The aim of the research is to find new food sources.  
زبان ۸۸

314) ahead /ə'hed/ adv.  
-Turn left at the traffic lights, and you'll see the hospital straight ahead.  
هنر ۸۶

315) the Bible /ba 'baɪbl/n.  
-In the Bible it says that Adam and Eve were the first human beings.  
انسانی ۸۹، هنر ۸۹، زبان ۸۸، تجربی ۸۶

316) efficiency /fɪfɪnsi/n,  
-The company is trying to lower costs and improve efficiencies.  
انسانی ۹۲  
۵۵

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

329) rotation /rau ' teɪn  
The Earth completes 365 rotations on its axis\* in every year,  
ریاضی : تجربی ۸۹

330) captain /'kæptɪn/ n.  
- This is the captain speaking. We expect to be landing at London in an hour.  
انسانی ۸۵، تجربی ۸۴.

331) beneath / bɪneɪt / adv . , prep  
- He was standing on the bridge looking at the river beneath.  
ریاضی ۹۱

332) nearby /nɪr'bar/ adj., adv.  
We stopped at some nearby shops to buy some food.  
خارج از کشور ۸۹

333) contact / kəntækt  
- I've been trying to contact you all day.  
ریاضی ۹۱

334) patient /'peɪsnt/ n., adj.  
- Several patients were waiting to see the dentist.  
- I hate having to stand in long lines. I'm not very patient.  
تجربی ۹۱  
۵۸

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

323) actress /'æktɪs/ n.  
-She's the highest-paid actress in the world.  
خارج از کشور ۸۴

324) remote / rɪ'maʊt/ adj.  
-The mission is to transport medical supplies to remote areas of Africa.  
خارج از کشور ۸۸

325) heart attack /hɑ:(r)t ə'tæk/n.  
John had a heart attack three years ago.  
انسانی ۹۱

326) responsibility /rɪspɑ:nsə'bɪləti/ n.  
She takes her responsibilities as a nurse very seriously.  
ریاضی ۹۳ ریاضی ۸۴

327) ugly / l'agli/ adj.  
Yesterday I saw the ugliest person I've ever seen in my life.  
خارج از کشور ۸۴

328) axis /'æksɪ:z/n.  
Mars takes longer to revolve\* on its axis than the Earth.  
ریاضی ۹۰، زبان ۹۰، تجربی ۸۹، تجربی ۸۸  
۵۷

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

341) stranger /streɪndʒə(n)/n.  
My mother always warned\* me not to talk to strangers.  
زبان ۹۰

342) opponent /ə'pəʊnənt/ n.  
- The team ' s opponents have not lost a game this season.  
www.m...dars.ir

343) opposition /əpə'zi/n/ n.  
- They're going ahead with the plans despite strong opposition from local people.  
ریاضی ۸۸، هنر ۸۸

344) install / ɪnstɑ : l / v  
- installation n.  
They've installed the new computer network at last.

345) BC (US B.C.) /bi:'si:/ adv.  
The Great Pyramid dates from around 2600 BC.  
زبان ۹۳، هنر ۹۱، ریاضی ۹۰، زبان ۸۹

346) blame /bleɪm/v., n.  
- She doesn't blame anyone for her father's death.  
خارج از کشور ۹۱، تجربی ۸۷  
۶۰

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

335) surgery / sɜ : ( r ) dʒəri / n  
- surgeon n.  
- The patient had surgery on his heart.  
زبان ۹۴

336) button / bʌtn / n  
-Will you please push the "play" button on the CD player?  
خارج از کشور ۸۵

337) calendar/kælɪndə(r)/n.  
- An old calendar for 2012 was still hanging on the wall of her office.  
زبان ۹۰، تجربی ۸۸

338) corner /kɔ:rnə(r)/ n.  
- Write your address in the top right-hand corner of the letter.  
خارج از کشور ۹۲

339) distribute / dr ' strɪbjʊt / v  
.distribution n  
The money was distributed among schools in the area.  
ریاضی ۸۹

340) biological /bə'reɪlə:dʒɪkl/ adj.  
- The biological effects of radiation are being studied.  
خارج از کشور ۹۱، خارج از کشور ۸۴  
۵۹

۳۱۷) ۱- اظهار نظر، گفته ۲- گفتن، اشاره کردن

- آندرسون میز رو ترک کرد اوا گفت که کارهایی برای انجام دادن داره.

۳۱۸) ۱- قابل توجه، چشمگیر ۲- فوق العاده

- قرن بیستم به دلیل اختراعاتش چشمگیر بود

۳۱۹) نمایشگاه، گالری

- در این شهر، چند تا موزه و گالری هنری هست.

۳۲۰) تاریکی

- چراغ به طور ناگهانی خاموش شد و ما رو توی تاریکی گذاشت.

۳۲۱) ۱- مصاحبه ۲- مصاحبه کردن

- او هفته ی بعد برای شغل مدیریت مصاحبه دارد.

۳۲۲) هنرپیشه، بازیگر (مرد)

- بازیگر مرد مورد علاقه ات کیه؟ «چارلی چاپلین».

۳۱۱) ۱- انفجار ۲- صدای انفجار

- در آن انفجار بمب، چند نفر مجروح شدند.

۳۱۲) جمع باکتریها

- این یک بیماری است که به علت باکتری های موجود در آب آشامیدنی ایجاد می شود.

۳۱۳) ۱- هدف، مقصود، نشانه ۲- هدف گیری کردن، نشانه گرفتن

- هدف این پژوهش، یافتن منابع غذایی جدید است

۳۱۴) پیش، جلو

- توی چراغ راهنمایی به س مت چپ بپیچ و بیمارستان رو دقیقاً در جلوی خودت می بینی.

۳۱۵) کتاب مقدس، تورات و انجیل

- در کتاب مقدس گفته می شود که آدم و حوا اولین انسانها بودند.

۳۱۶) ۱- سازمان کارایی؛ دستگاه بازدهی

۲- [شخص] توانایی، کارایی

- این شرکت تلاش می کند هزینه ها را پایین بیاورد و کارایی [خودش] را افزایش دهد.

۳۲۹) گردش، چرخش، از زمین حرکت وضعی

- زمین در هر سال، ۳۶۵ حرکت وضعی را در محور خودش کامل می کند.

۳۳۰) فرمانده؛ [دریانوردی] ناخدا [هوانوردی] ورزش [کاپیتان]

- خلبان صحبت می کند. انتظار داریم تا یک ساعت در لندن فرود بیاویم.

۳۳۱) ۱- زیر، پایین ۲- در زیر، پایین

- اون روی پل ایستاده بود او به رودخانه ی پایین نگاه می کرد.

۳۳۲) ۱- این اطراف، این نزدیکیها ۲- در این حوالی

- ماتوی چندتا مغازه ی این نزدیکیها توقف کردیم تا مقداری غذا بخریم.

۳۳۳) تماس گرفتن با، ارتباط برقرار کردن با

- تمام روز رو تلاش می کنم باهات تماس بگیرم.

۳۳۴) ۱- بیمار، مریض

۲- صبور، پر حوصله

- چند تا مریض منتظر بودند تا دندان پزشک را ببینند.

- از ایستادن در صف های طولانی نفرت دارم. خیلی صبور نیستم.

۳۲۳) هنرپیشه ی زن، بازیگر زن

- او بالاترین درآمد را بین بازیگران زن جهان دارد.

۳۲۴) دور، دور دست، دور افتاده

- این مأموریت برای حمل کردن ذخایر دارویی به نواحی دور دست آفریقا می باشد.

۳۲۵) حمله ی قلبی

- جان، سه سال قبل حمله ی قلبی داشت.

۳۲۵) ۱- مسئولیت

۲- تعهد

او مسئولیت هایش را به عنوان پرستار خیلی جدی می گیرد.

۳۲۷) زشت، بدقیافه

- دیروز زشت ترین شخصی رو دیدم که تا حالا توی زندگیم دیده ام

۳۲۸) ۱- محور

۲- ریاضی خط تقارن

- مریخ برای چرخیدن دور محور خودش، از زمین زمان بیشتری می گیرد.

۳۳۵) جراحی، عمل جراحی جراح

- جراح

- اون بیمار قلبش رو عمل کرد.

۳۳۶) ۱- [زنگ و غیره] دکمه ۲- لباس دکمه

- ممکنه لطفاً روی دستگاه پخش سیدی، دکمه ی "play" (پخش) رو بزنی؟

۳۳۷) تقویم

- هنوز یک تقویم قدیمی برای سال ۲۰۱۲ روی دیوار دفتر کارش آویزان بود.

۳۳۸) ۱- گوشه، گنج ۲- [فوتبال] گرنر

- آدرستان را روی گوشه ی بالای سمت راست نامه بنویسید.

۳۳۹) توزیع کردن، پخش کردن

- توزیع، پخش

- آن پول در بین مدارس این ناحیه توزیع شد

۳۴۰) ۱- زیست شناختی ۲- زیستی

- آثار زیستی تشعشعات مطالعه می شوند.

۳۴۱) غریبه، بیگانه؛ خارجی

- مادرم همیشه بهم هشدار می داد با غریبه ها حرف نزنم.

۳۴۲) رقیب، حریف

- رقیبان این تیم در این فصل یک بازی را اهم انباخته اند.

۳۴۳) مخالفت؛ مقاومت

- آنها علی رغم مخالفت شدید مردم محلی، طبق برنامه ها پیش می روند

۳۴۴) دستگاه نصب کردن، کار گذاشتن

- نصب

- آنها در نهایت شبکه ی رایانه ای جدید را نصب کرده اند.

۳۴۵) پیش از میلاد (مسیح)

- قدمت هرم بزرگ به حوالی ۲۶۰۰ سال پیش از میلاد برمی گردد.

۳۴۶) ۱- سرزنش کردن، ملامت کردن

۲- سرزنش، ملامت ۳- تقصیر، گناه

- اون هیچ کس رو به خاطر مرگ پدرش سرزنش نمی کنه.

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

353) step /step/ n., V.  
- I stepped outside and closed the door.  
- We had to climb some steps to reach the front door.

354) cope (with) /kəʊp (wið)/ v.  
- It must be difficult to cope with three small children and a job.

355) deliberately / dr'libaratli/ adv.  
- deliberate adj  
- I'm sure he says these things deliberately to annoy me.

356) chapter / t / aepta ( r ) / n  
- Please read the first two chapters of your book for our next class.  
هنر ۹۴، هنر ۹۰، زبان ۸۸

357) category /'kætəgəri/ n.  
The results can be divided into three main categories  
هنر ۹۴، زبان ۸۵، انسانی ۸۴

358) take care /terk ker/V.  
- Don't worry about me, I can take care of myself.  
زبان ۹۴، زبان ۸۵  
۶۲

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

347) reserve /rr'z3:(r)v/v., n.  
- reservation n  
- I'd like to reserve a table for three for eight o'clock.  
زبان ۹۱

348) storage / storials / n  
- They moved to a house with lots of storage space.

349) hunger /'hʌŋgə(r)/n.  
- Thousands of people are dying from hunger every day.  
انسانی ۸۹

350) narrow /'neral/ adj.  
The city's ancient streets are too narrow for | buses,  
خارج از کشور ۹۲

351) broad /bra:d/ adj.  
- We walked down a broad street lined with trees.  
انسانی ۸۹

352) convince /kən'vins/v.  
It's useless trying to convince her that she doesn't need to lose any weight.  
هنر ۹۱، انسانی ۸۶  
۶۱

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

365) comfort /'kʌmfə(r)t/n., V,  
Now you can watch your favorite\* movies in the comfort of your own home.  
تجربی ۹۳ – انسانی ۸۶

366) accent /'æksənt/n.  
She's French but she speaks with a good English accent.

367) imply / implai /v  
The article\* implied that the pilot was responsible for the accident.  
ریاضی ۹۱

368) desire /drzərə(r)/n., V.  
The hotel has everything you could possibly desire.  
زبان ۹۳، هنر ۹۱، زبان ۸۸

369) enable /i'nerbl/ V.  
- The system enables students to access class materials online.  
تجربی ۹۴

370) worth / w3 : ( r ) 0 / adj  
If you answer this question correctly, it's worth five points.  
خارج از کشور ۸۶  
۶۴

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

359) take over /teik 'əvə(r)/V.  
He took over the previous president in February  
ریاضی ۹۲، زبان ۸۷

360) pink /pink/ n., adj.  
pink panther  
انسانی ۹۴

361) alike /ə'lark/ adj.  
- My mother and I are alike in many ways.  
تجربی ۸۴

362) identity / ar 'dentati/ n  
The police are trying to discover the identity of the killer.

363) current/k3:rənt/ adj.n.  
- currently /adv.  
- The factory cannot continue its current level of production.  
- Strong currents can be very dangerous for swimmers.  
ریاضی ۹۳، هنر ۹۷

364) tax /tæks/ n., V. e taxation n.  
He already pays 40% tax on his income.  
ریاضی ۹۲  
۶۳

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

377) requirement/ri'kwərə(r)mənt/ n.  
- A good degree is a minimum\* requirement for many jobs.  
انسانی ۹۲

378) trust /trast/ n., V.  
My sister warned\* me not to trust him.  
www.m

379) academic /ækə'demik/ adj.  
The students return in October for the start of the new academic year.  
خارج از کشور ۹۴

380) automatic / 5 : ta ' matik / adj, اتوماتیک  
.automatically adv  
My camera is fully\* automatic.  
خارج از کشور ۸۴

381) peaceful /'pi:sfl/ adj. )  
- They settled\* their differences by peaceful means .  
تجربی ۸۶

382) display /displei/ V., n.  
- All the exam results will be displayed on the notice board. ۶۶

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

371) precise / prr ' sans / adj  
- Could you be a little more precise about what happened?  
هنر ۹۱، زبان ۹۱

372) huge /hju:dz/ adj.  
- Your room is huge compared to mine.

373) ideal /ar'drəl/ adj., n.  
The trip to Paris will be an ideal opportunity\* to practice my French  
زبان ۹۴، خارج از کشور ۸۸

374) praise/preiz/v., n.  
- My parents always praised me when I did well at school.  
تجربی ۹۱، هنر ۸۹، ریاضی ۸۸

375) recommend / rekamend/ v  
- recommendation n.  
- The doctor recommended that I take more exercise.  
زبان ۹۱

376) remind /ri'maɪnd/ v.  
- I called Jane and reminded her that the conference had been cancelled.  
۶۵

۳۵۳) ۱- قدم، گام ۲- پله

۳- اقدام، عمل ۴. قدم برداشتن پا گذاشتن

- پامو بیرون گذاشتم و در رو بستم

- باید از چند تا پله بالا می رفتیم تا به در اصلی برسیم.

۳۵۴) [مشکلات، مسائل] از عهدی ... بر آمدن، از پس ... بر آمدن

- باید سخت باشه که از عهدی سه تا بچه و به کار بر بیای

۳۵۵) عمدا، به قصد

- عمدی

- مطمئنم اون این چیزها رو عمدا میگه تا منو اذیت کنه.

۳۵۶) ۱- [کتاب] فصل ۲- دوره، عصر

- لطفا برای کلاس بعدی من، دو فصل اول کتابتون رو بخونید.

۳۵۷) دسته، طبقه

- نتایج را می توان به سه دسته ی اصلی تقسیم کرد.

۳۵۸) به عهده گرفتن؛ مواظبت کردن

- نگران من نباش، میتونم از خودم مراقبت کنم

۳۴۷) ۱- ذخیره کردن، اندوختن

۲- اتاق و غیره رزرو کردن ۳- ذخیره، اندوخته رزرو

- تمایل دارم برای ساعت هشت برای سه نفر میز رزرو کنم.

۳۴۸) ۱- ذخیره سازی، نگهداری ۲- انبار

- اونها به خونه ای رفتن که فضای انبار زیادی داشت.

۳۴۹) گرسنگی، گشنگی

- هر روز هزاران نفر از گرسنگی می میرند.

۳۵۰) جاده و غیره باریک، کم عرض

- خیابان های قدیمی این شهر برای اتوبوس ها خیلی باریک هستند.

۳۵۱) پهن، عریض

- ما پیاده به سمت جنوب خیابانی عریض که دو طرفش را درختها پوشانده

بودند، رفتیم.

۳۵۲) متقاعد کردن، مجاب کردن

- تلاش برای متقاعد کردن اون به این که اصلا نیاز نداره وزن کم کنه، بی فایده اس.

۳۶۵) ۱- راحتی، آسایش ۲- دلداری دادن، تسلی دادن

- امروزه شما می توانید فیلم های مورد علاقه تان را در راحتی خانه ی

خودتان تماشا کنید

۳۶۶) لهجه

- او فرانسوی است اما با لهجه ی انگلیسی خوبی صحبت می کند.

۳۶۷) اشاره کردن، به طور ضمنی گفتن (که)

- آن مقاله اشاره کرد که خلبان مسئول [وقوع] سانحه بود.

۳۶۸) ۱- میل، اشتیاق، گرایش ۲- خواهان ... بودن

- این هتل هر چیزی را که احتمالا بتوانید بخواهید، دارد.

۳۶۹) ۱- قادر ساختن، توانایی دادن به

۲- امکان ... را فراهم کردن

- این سیستم به دانشجویان توانایی می دهد تا به صورت آنلاین به مطالب

دسترسی داشته باشند.

۳۷۰) ۱- به ارزش، معادل ۲- به اندازه ی .

- آگه به این سؤال درست جواب بدید، پنج امتیاز ارزش داره.

۳۵۹) ۱- زمام امور را به دست گرفتن

۲- مسئولیت ... را بر عهده گرفتن

- او در ماه فوریه زمام امور را از رئیس جمهور قبلی گرفت.

۳۶۰) [رنگ] صورتی

- پلنگ صورتی

۳۶۱) همانند، شبیه

- من و مادرم توی خیلی زمینه ها شبیه هستیم. و تجربی هنر

۳۶۲) ۱- هویت ۲- همانندی، یکسانی

- پلیس تلاش می کند هویت قاتل را کشف کند.

۳۶۳) ۱- جاری، فعلی ۲- رایج، متداول ۳- جریان آب ۴- جریان برق

- در حال حاضر

- این کارخانه نمی تواند سطح فعلی تولیدش را ادامه دهد.

- جریان های قوی آب می توانند برای شناگران خیلی خطرناک باشند

۳۶۴) ۱- مالیات ۲- مالیات بستن به مالیات

- او همین الان از درآمدش ۴۰٪ مالیات می دهد.

۳۷۷) ۱- شرط، لازمه ۲- نیازمندی، احتیاج

- یک مدرک خوب حداقل شرط بیشتر کارهست.

۳۷۸) ۱- اعتماد؛ اعتقاد؛ توکل

۲- اعتماد داشتن به، اعتماد کردن به

- خواهرم بهم هشدار داد به اون اعتماد نکنم.

۳۷۹) ۱- دانشگاهی ۲- تحصیلی، آموزشی ۳- آکادمیک

- دانشجویان برای شروع سال دانشگاهی جدید در ماه اکتبر برمی گردند.

۳۸۰) به طور خودکار، به طور اتوماتیک

- دوربینم به طور کامل اتوماتیک است.

۳۸۱) ۱- [تظاهرات و غیره] آرام، توأم با صلح ۲- صلح طلبانه، صلح آمیز

- آنها اختلافاتشان را با روشهای صلح آمیز حل کردند.

۳۸۲) ۱- نشان دادن، به نمایش گذاشتن

۲- نمایش ۳- کامپیوتر و غیره صفحه ی نمایش

- تمامی نتایج امتحانات بر روی تابلوی اعلانات به نمایش گذاشته

۳۷۱) ۱- دقیق، درست ۲- معین، مشخص .

- امکان داره در مورد اون چیزی که اتفاق افتاد کمی دقیق تر باشید؟

۳۷۲) غول پیکر، خیلی بزرگ، عظیم

- اتاق تو در مقایسه با اتاق من خیلی بزرگه.

۳۷۳) ایده آل، مطلوب

- سفر به پاریس موقعیتی ایده آل خواهد بود تا اروپا فرانسوی ام تمرین کنم.

۳۷۴) ۱- تعریف کردن از، تحسین کردن

۲- [خدا] ستایش کردن ۳- تعریف، تحسین

- همیشه وقتی توی مدرسه خوب کار می کردم، پدر و مادرم ازم تعریف می

کردن.

۳۷۵) پیشنهاد کردن، توصیه کردن .

- توصیه، سفارش

- دکتر توصیه کرد که بیشتر ورزش کنم.

۳۷۶) یادآوری کردن که، خاطر نشان کردن که

- به جین زنگ زدم و بهش یادآور شدم که کنفرانس کنسل شده بود.

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

389) confirm /kən'fɜ:(r)m/v.  
- confirmation n  
It has been confirmed that the meeting will take place next week,

390) commercial/ ko 'mɪʒ : r / l / adj  
- The commercial future of the company looks very good. ریاضی ۸۹

391) disaster /dr'zestər/n.  
This is one of the worst natural disasters ever to occur in this area. تجربی ۹۰

392) male /meil/ adj., n.  
- What percentage of the adult male population is unemployed?  
انسانی ۹۰

393) female /'fi:meil/ adj., n.  
She went to a university where there were more males than females تجربی ۹۴ . انسانی ۹۰

394) feminist / feminist/ n  
- feminism n  
She's been an active feminist for over twenty years. هنر ۶۸

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

383) forever /fər'evə(r)/(BrE also for ever) adv,  
I like the house but I don't imagine I'll live there forever, ریاضی ۹۳، ریاضی ۸۸

384) threat /aret / n ,e threaten v  
She ignored their threats and continued to do what she felt was right. ریاضی ۹۳، ریاضی ۸۸

385) forgive /fər'grv/ V.  
I'd never forgive myself if anything happened to the kids.

386) valuable /væljuəbl/ adj.  
- Please don't waste my time. My time is very valuable. تجربی ۹۳، خارج از کشور ۸۵

387) rescue /reskjʊ:/ V., n.  
She died trying to rescue her children from the fire. زبان ۹۴

388) internal /in'tɜ:(r)nl/ adj.  
- He received injuries in his arms, legs, and several internal organs. تجربی ۸۸

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

395) external /ik'stɜ:mnl/ adj.  
This cream is for external use only.

396) cook /kuk/n.  
He works as a cook in a local restaurant,

397) subsequent /səbsɪkwənt/ adj. o subsequently adv.  
Her work had a great influence on subsequent generations.

398) crash /kræʃ./n, V.  
41 people were killed in the plane crash. ریاضی ۹۰، هنر ۸۴

399) come across /kam ə'kra:s/v.  
- She came across some old photographs in her desk. انسانی ۸۹، زبان ۸۴

400) priest/pri:st/n.  
Many in the Anglican Church are still against women priests. خارج از کشور ۸۹، تجربی ۸۷

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

زبان کنکور	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
------------	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

۳۸۹ [خبر، گزارش و غیره] تأیید کردن، تصدیق کردن

- تأیید

- تأیید شده است که جلسه هفته ی بعد برگزار خواهد شد.

۳۹۰ بازرگانی، تجاری

- آیندهای تجاری این شرکت خیلی خوب به نظر می رسد.

۳۹۱ فاجعه، مصیبت، بلا

- این یکی از بدترین فجایع طبیعی است که تاکنون در این ناحیه رخ داده است

۳۹۲ ۱- [حیوان، گیاه] نر؛ [شخص] مذکر

۲- مرد؛ پسر

- چه نسبتی از جمعیت بالغ مذکر بیکار است؟

۳۹۳ ۱- (حیوان، گیاه ماده؛ [شخص] مونث ۲- زن؛ دختر

- او به دانشگاهی رفت که مردها بیشتر از زنها بودند.

۳۹۴ طرفدار حقوق زن

- نهضت طرفداری از حقوق زن

- بیش از بیست سال است که او طرفدار فعال حقوق زنان است.

۳۸۳ همیشه، برای همیشه

- اون خونه رو دوست دارم، ولی فکر نمی کنم که همیشه اونجا زندگی خواهم کرد.

۳۸۴ تهدید، ارباب

- تهدید کردن

- او به تهدیدهای آنها توجه نکرد و به انجام دادن چیزی که فکر می کرد درسته ادامه داد.

۳۸۵ [شخص، گناه و غیره] بخشیدن، عفو کردن

- اگه برای بچه ها اتفاقی می افتاد هیچ وقت خودم رو نمیبخشیدم.

۳۸۶ ۱- قیمتی ۲- پرارزش، ارزشمند

- لطفا وقتم رو هدر نده. وقتم خیلی باارزشه.

۳۸۷ ۱- نجات دادن، رها کردن ۲- نجات

- او در حالی که تلاش می کرد بچه هایش را از آتش نجات دهد، جان خود را از دست داد.

۳۸۸ [ پزشکی، سیاسی و غیره] داخلی

- او در دستها، پاها و چند عضو داخلی مجروح شد.

۳۹۵ بیرونی، خارجی

- این کرم فقط برای استفاده ی بیرونی است.

۳۹۶ آشپز

- او در یک رستوران محلی به عنوان آشپز کار می کند.

۳۹۷ بعدی، متعاقب بعد، متعاقباً

- کار او تأثیر بسیاری بر نسل های بعدی داشت.

۳۹۸ ۱- [هواپیما و غیره] سقوط؛ [اتومبیل] تصادف

۲- سقوط کردن، تصادف کردن

- در سقوط هواپیما ۴۱ نفر کشته شدند.

۳۹۹ برخوردن به، روبه رو شدن با تصادفی پیدا کردن

- اون توی میز تحریرش تصادفی چند تا عکس قدیمی رو پیدا کرد.

۴۰۰ کشیش

- بسیاری از افراد در کلیسای انگلستان هنوز مخالف الوجودا کشیشان زن هستند.

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir